

برتری روانی انقلاب را بر ضد انقلاب، تحکیم و تقویت کنیم!

مردم را بیدار
کنیم و به آنها
امید بدهیم!

صفحه ۷

امام خمینی:

زیادند اشخاصی که از ملت و ملیت دم میزنند، لکن وقتی که به قدرت میروند، برخلاف ملت و ملیت عمل می کنند

- * این بختیار بود که همه دیدید از جبهه ملی بود و از ملی گرایان دیدید که با ملت ما چه کرد.
- * بسیاری از آنها (شرکت کنندگان در کنفرانس طائف) را، همشما و هم مامی شناسیم، چقدر با صهیونیسم همراه بودند

تفرقه است؟ طرح جدا کردن يك قشر از قشر دیگر است؟ یا دعوت به وحدت و دعوت به انسجام است؟

امام خمینی همچنین ضمن اشاره به تجاوز و حشیانه رژیم صدام به مملکت ما و کشتار عده زیادی از هموطنان ما، به کنفرانس طائف اشاره کردند و گفتند: بقیه در صفحه ۴

نیروی هوایی آمیدید در صحنه و مخالفت کردید با رژیم طاغوتی، آروز ارزش شما، در تاریخ ثبت شد.

امام خمینی خطاب به پرسنل نیروی هوایی گفتند: «کسانی که در داخل شما وارد می شوند و بیخ گوش شما مسائل را طرح می کنند، توجه کنید که طرح این طور مسائل طرح

امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در دیدار با پرسنل نیروی هوایی، روز ۱۹ بهمن ۵۹ سخنانی ایراد کردند.

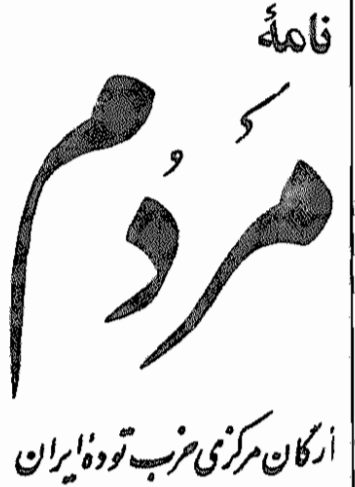
امام خمینی ابتدا ضمن اشاره به پیوستن پرسنل نیروی هوایی به صفوف انقلاب در روزهای قبل از ۲۲ بهمن ۵۷، گفتند: «آرزوی که شما آقایان

گسترش و انسجام جنبش کشورهای غیر متعهد در مبارزه علیه امپریالیسم

روز دوشنبه بیستم بهمن ماه ۵۹، کنفرانس جنبش کشورهای غیرمتعهد در سطح وزیران امور خارجه عضو این جنبش، در دهلی نو پایتخت جمهوری هند کار خود را آغاز میکند.

نظری گذرا به تاریخچه جنبش غیرمتهمها

در ما آوریل سال ۱۹۵۵ (۱۳۳۴) نخستین گردهم آیی نمایندگان تعدادی از کشورهای نو- استقلال آسیا و آفریقا در باندونگ تشکیل یافته در صفحه ۴



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۴، دوشنبه ۲۰ بهمن ۱۳۵۹، مطابق با ۳ ربیع الثانی ۱۴۰۱ - بهای: ۱۵ ریال

در سالگرد انقلاب توسط سندیکای هنرمندان و کارکنان تئاتر:

فستیوال تئاتر انقلاب در تهران برگزار می شود

سندیکای هنرمندان و کارکنان تئاتر ایران به مناسبت سالگرد انقلاب ضد امپریالیستی و خلتی مردم ایران اقدام به برپائی «فستیوال تئاتر انقلاب» کرده است. این فستیوال از روز ۲۳ تا ۲۹ بهمن ماه جاری در تئاترهای پارس، دهقان، ملت و نصر برگزار می شود. ساعت شروع این نمایشها ۴ بعد از ظهر، محل این تئاترها، تهران - خیابان لاله زار است. همچنین به مناسبت سالگرد انقلاب، ۶ نمایش خیابانی، روز ۲۳ بهمن ۵۹، در میدان امام خمینی، ساعت ۴ بعد از ظهر اجرا خواهد شد.

بدنبال اعلام نرخ رسمی مرغ از طرف ستاد بسیج اقتصادی: سو مایه داران با عرضه نکردن مرغ، تهران را با کمبود مرغ مواجه کرده اند

* وقتی ستاد بسیج اقتصادی قیمت رسمی مرغ را، که کیلویی ۱۰ تومان کمتر از قیمت بازار بود، اعلام کرد، تولیدکنندگان از عرضه مرغ به فروشندگان مجاز خودداری کردند.

* در حال حاضر مرغ فروشهای تهران تعطیل است و تنها از طریق بازار سیاه می توان مرغ تازه را کیلویی ۲۵ تومان بدست آورد.

به خریداران عرضه میشود. قیمت مرغ، که در سال گذشته کیلویی ۲۲ تومان بود، ناگهان در عرض چند هفته گذشته به کیلویی ۳۰ الی ۳۲ تومان رسید. عمده فروشان، مرغ زنده را بطور آزاد کیلویی ۲۱ تومان به کشتارکنندگان می فروختند. آنها نیز به قیمت کیلویی ۲۴ تومان بقیه در صفحه ۴

تولیدکنندگان مرغ، که اغلب آنها سرمایه داران بزرگ هستند، از چند روز پیش اکثر مغازه های مرغ فروشی در سطح شهر به علت همین کمبود مصنوعی تعطیل است، و این در حالی است که تولیدکنندگان، مرغ را به قیمت غیر رسمی به کشتارکنندگان غیر مجاز می فروشتند و در نتیجه مرغ در بازار سیاه کیلویی ۳۵ تومان

با اعلام نرخ رسمی مرغ از طرف ستاد بسیج اقتصادی کشور و ارزانی شدن آن، تولیدکنندگان بزرگ مرغ از توزیع مرغ خودداری کردند و بدنبال آن، تهران با کمبود مصنوعی مرغ مواجه گردید و اغلب مغازه های مرغ فروشی تعطیل شدند. بر اساس گزارش خبرنگاران نامه «مردم»، به دنبال این اقدام

درباره گزارشهای جعلی ضد شوروی جراید و استفاده تبلیغاتی امپریالیستی

رادیو مسکو در برنامه فارسی خود در تاریخ ۱۷ بهمن ۵۹، در تفسیری، زیر عنوان: «درباره گزارشهای جعلی ضد شوروی جراید و دستگاه تبلیغاتی امپریالیستی»، در باره خبر کذایی «ارسال ۱۰۰ تانک ساخت شوروی از طریق عربستان به عراق»، که متأسفانه برخی از رسانه های گروهی متعدد ما نیز بار دیگر بدام آن افتادند، از جمله، چنین گفت: «در دوران اخیر دستگاه تبلیغاتی امپریالیستی، در رابطه با ادامه درگیری مسلحانه میان ایران و عراق باز هم غوغای دروغین بر راه انداخته است. رادیوهای «صدای آمریکا» و بقیه در صفحه ۷

تعداد زیادی از سنگرهای دشمن در جبهه ها نابود شد

دشمن را به آتش کشیدند. شهر قهرمان پرور آبادان در همین مدت ناجوانمردانه زیر آتش سلاحهای سنگین دشمن قرار داشت، که در نتیجه به یک میدان شهر صدماتی وارد شد و سه نفر از پرسنل شهرداری مجروح شدند.

۲- در جبهه خولین شهر رزمندگان دلیر ارتش جمهوری اسلامی ایران تعدادی از سنگرهای انفجاری دشمن را در این عملیات منهدم کردند. در این عملیات یک سرباز جانباز نیروی دریایی مجروح شد.

۳- در روز و پریروز مواضع یگانهای دشمن متجاوز در جبهه های سوسنگر دزیر آتش توپخانه نیروهای خودی قرار گرفت و نیروهای رزمنده اسلام موفق شدند یک تانک و سه سنگر دشمن را منهدم و هشت تن از افراد دشمن را اسیر کنند. بقیه در صفحه ۷

نبرد میان دلاران جمهوری اسلامی ایران علیه تجارزگران صدامی در جبهه های غرب و جنوب کشور همچنان ادامه دارد. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در اطلاعیه شماره ۳۹۸ خود، بخشی از عملیات را بدین شرح اعلام کرد:

۱- دلاران رزمنده ارتش جمهوری اسلامی ایران، در یکی از جبهه های آبادان، یک لودر، یک خپاره انداز، یک انبار مهمات و چند سنگر اجتماعی و انفرادی

زحمتکش برای زمین - شهیدان بهای آزادی خلق را از جان خویش میدهند - دو سال نبرد با امپریالیسم جنایتکار آمریکا - انقلابی بزرگتر از انقلاب اول - خانه از پایست ویران است - یکسال همراه فرازو تنبیه - های انقلاب

ویژه نامه دومین سالگرد انقلاب شکوه مند مردم ایران



ضمیمه نامه «مردم» با مطالب زیرین منتشر شد:

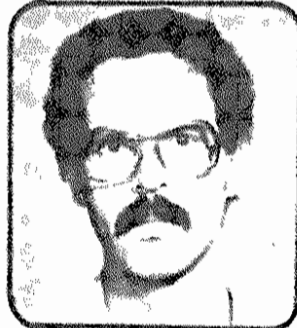
- دومین سال انقلاب شکوهمند
- بهمن، سال پیروزی بر طوطه های پیاپی امپریالیسم و ضدانقلاب
- در کوره آزمون تاریخ
- حزب توده ایران و نقش آن در پیاسداری و بالندگی انقلاب
- سالی دیگر همراه با خط ضد امپریالیستی و خلقی امام
- تا شب چراغ دریا... (شعر)
- نهادهای انقلابی در خدمت آرمانهای انقلاب
- در سال مبارزه دهقانان

نه، این قافله را سرباز ایستادن نیست

کیخسرو و کیخسروی، نامی جدید بر «لوح افتخار» حزب توده ایران

* «ما متعلق به خود و فامیل خود نیستیم، ما متعلق به تاریخ یک ملت رنج دیده ایم و باید شایسته این وظیفه ای که تاریخ بگردن ما نهاده است، باشیم.»

* در صف مقدم جبهه به قوای خصم یورش برد و در بازگشت در صف مقدم شهدا جای داشت.



جزء دعوت کنندگان به اعتراض و انتساب علیه رژیم منفرود پهلوی بود، به جستجوی دلایل اعتراضات - رفت و آنرا که درست می - یافت، بدان می پیوست.

کیخسرو هنوز در دانشکده تحصیل میکرد که پدرش فوت کرد و مسئولیت اداره خانواده نیز به او واگذار شد. پس از اتمام تحصیلات و گذراندن دوران سربازی، به کار پدرش (بیشهوری) ادامه داد.

رفیق کیخسروی در این زمان بقیه در صفحه ۴

دانشگاه تهران شد. به گواهی دوستانش، مردی آزاده، شجاع، منطقی و انسان - دوست بود. در دوران دانشجویی

رزمنده ای دیگر از تبار توده ای ها در دفاع از استقلال و آزادی ایران بر خاک افتاد. لاله ای دیگر در دشت لاله خیز وطن روئید و سالاری دیگر به رهنروان قافله شهدای توده ای پیوست.

رفیق کیخسرو کیخسروی در ۱۳۲۹ در تهران بدنیا آمد. پدرش پیشه ور و مادرش معلم بود. کودکی خود را در تهران - پارس گذراند و دوران دبیرستان خود را در سال ۱۳۴۸ در دبیرستان نیروز بهرام بیایان برد و در سال ۱۳۴۹ وارد دانشکده کشاورزی

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

گسترش و انسجام...

بقیه از صفحه ۱

گردد. در این گردهم‌آیی بنیاد تشکیل جنبش غیرمتعددها برپا شد. تشکیل این گردهم‌آیی از جانب کشورهای نواستقلال برای سازمان‌دادن جنبش غیرمتعددها، در حقیقت واکنشی بود در برابر سیاست نواستعماری امپریالیسم جهانی، پس‌گردگی امپریالیسم آمریکا، و پاسخ سیاست ایجاب پیمانهای نظامی منطقه‌ای، با هدف کشاندن این کشورها به پیمانهای نظامی امپریالیستی و ازین طریق وابسته کردن کشورها در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی و نظامی بدول امپریالیستی. تشکیل جنبش غیرمتعددها در عین حال موید این پیش‌بینی دایمانه‌ها نیز بزرگ است، که گفته است:

«زمانی فرامی‌رسد که خلقهای آسیا و آفریقا دیگر آلت خدمت سیاستهای امپریالیستی نخواهند بود و خود در عرصه سیاست بین‌المللی نقش فعال خواهند داشت.»

در گردهم‌آیی بانوونگ بیانیه‌ای به تصویب رسید که منشور سیاسی این جنبش را اعلام کرد. در این منشور اصول احترام به حق حاکمیت کشورها، شناسایی برابری حقوق همه ملت‌ها، رد هرگونه نظریات تبعیض‌نازادی و قومی و ملی، محاکمیت هر نوع مداخله در امور داخلی کشورها، احترام به حق هر کشور برای دفاع از خود بر طبق منشور سازمان ملل متحد، خودداری از بکار بردن نیرو و تهدید به مذاکره و شیوه‌های مسالمت‌آمیز، بمثابة اساسنامه این جنبش مورد تأیید قرار گرفته است.

علاوه بر این، در گردهم‌آیی بانوونگ، خلع سلاح، منع آزمایش سلاح هسته‌ای، انحلال پایگاههای نظامی خارجی در سرزمین کشورهای دیگر، مورد پشتیبانی قرار گرفت و سیاست امپریالیستی بلوک‌بندیها و پیمانهای نظامی محکوم شد. شرکت‌کنندگان در گردهم‌آیی بانوونگ همزیستی مسالمت‌آمیز را مانند سنگ‌پایه سیاست خارجی در روابط بین‌المللی پذیرفتند. گردهم‌آیی بانوونگ پرسیاست‌بیطرفی مثبت و فعال با مستعمری ضد امپریالیستی جنبش غیرمتعددها تأیید کرد.

موفقت گردهم‌آیی بانوونگ و منشور آن، که پاسخگوی خواستها و اهداف همه کشورهای نواستقلال در قاره‌های مختلف جهان بود، اندیشه تشکیل یک جنبش جهانی از کشورهای نواستقلال را که به «جنبش غیرمتعددها» معروف گردید، در میان همه کشورهای نواستقلال، که آماج سیاست نواستعماری امپریالیسم بودند، رسوخ داد. منشور جنبش کشورهای غیرمتعددها، که متضمن مبارزه و پیگیری و قاطعانه علیه سیاستهای استعماری و نواستعماری امپریالیسم بود، بطور عینی مسئله همکاریهای همه‌جانبه کشورهای عضو این جنبش را با کشورهای جامعه سوسیالیستی مطرح کرد.

آمادگی کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی برای همکاری همه‌جانبه با کشورهای نواستقلال و پشتیبانی بیکی و قاطعانه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی از مبارزه ضد استعماری و نواستعماری این کشورها در عمل ثابت کرد که گسترش روابط کشورهای نواستقلال با کشورهای سوسیالیستی و همکاریهای اقتصادی این کشورها در مبارزه علیه امپریالیسم و استحکام مبانی استقلال آنان در زمینه‌های سیاسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تقسیم‌الیمینان بخشی برای حفظ استقلال ملی آنان در برابر توطئه‌ها و طرحهای تجاوری امپریالیسم جهانی، پس‌گردگی امپریالیسم آمریکاست.

واکنش دول امپریالیستی، پس‌گردگی امپریالیسم آمریکا، نسبت به مصوبات بانوونگ موید این واقعیت بود که منشور جنبش کشورهای غیرمتعددها با منافع آزمندانانه انحصارات امپریالیستی و سیاست نواستعمار امپریالیسم جهانی مغایرت دارد و سدی است در راه تحقق این سیاست. بهین علت بود که وزیر امور خارجه وقت ایالات متحد آمریکا، «جان فوستر دالسی» درباره منشور بانوونگ اظهار داشت:

«بطرف اصلی است مغایر با اخلاقیات!»

در سالهای پس از گردهم‌آیی بانوونگ، با پیشرفت روند فروپاشی سیستم مستعمراتسی امپریالیسم از یکسو و تلاشهای امپریالیسم آمریکا در ایجاد پیمانهای نظامی منطقه‌ای و جلب کشور-

های نواستقلال به این پیمانهاز سوی دیگر، اندیشه‌های بانوونگ در میان کشورهای نواستقلال در همه قاره‌های جهان - که بر تعداد آنان نیز افزوده میشد اشاعه یافت. پس از یک سلسله تماسها میان مقامات کشورهای نواستقلال در ژوئن سال ۱۹۶۱ (تیر - مرداد ۱۳۴۰) نمایندگان ۲۲ کشور آسیائی و آفریقائی در قاهره، پایتخت مصر، اولین گردهم‌آیی خود را تشکیل دادند.

در گردهم‌آیی قاهره، پس از مباحثات و بررسیهای همه‌جانبه درباره اصول سیاست خارجی و مواضع کشورهای عضو جنبش، اصول زیرین مورد تأیید قرار گرفت:

سیاست کشورهای عضو جنبش غیرمتعددها باید مستقل و براساس اصول هزیستی مسالمت‌آمیز و عدم تمهد تدوین شود. هر کشور عضو جنبش غیرمتعددها موظف است از جنبشهای رهائی بخش ملی خلقها حمایت کند، در هیچ پیمان نظامی غرضویت نداشته باشد و بیچ کشور خارجی اجازه ندهد که در سرزمین آن پایگاه نظامی احداث کند.

در ماه سپتامبر همان سال، یعنی ۱۹۶۱ (۱۳۴۰) نخستین کنفرانس سران ۲۵ کشور نواستقلال عضو جنبش غیرمتعددها در لگسراد، پایتخت یوگسلاوی، تشکیل شد. در کنفرانس بلگراد، ناهمگونی مواضع کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس، که ناشی از ساختار اقتصادی - اجتماعی، اشکال‌رهای آنان از بندهای استعماری و درجه وابستگی آنان از لحاظ ماهیت طبقاتی محافل حاکمه آنان نسبت به دول امپریالیستی و بطور کلی جهان سرمایه‌داری بود، بازتاب یافت طبیعی است که دول امپریالیستی، و در درجه اول امپریالیسم آمریکا، که گسترش و انسجام جنبش کشورهای غیرمتعددها را مانع بزرگی بر سر راه اجرای سیاست نواستعماری، مسایقه‌تسلیماتی و بلوکهای نظامی خود میدیدند، با استفاده از این ناهمگونی و اختلافات و تفاوت برخوردها در میان کشورهای غیرمتعددها، و تحریک و تقویت جنبه‌های مورد اختلاف میان آنان، بوسیله نزدیکان خود، مسئله تشکیل یک «بلوک سوم» را بعنوان مقابله با کشورهای سرمایه‌داری و کشورهای سوسیالیستی بطور یکسان، در این کنفرانس مطرح کردند. طرح این مسئله هدفش انحراف سمت سیاست ضد امپریالیستی جنبش غیرمتعددها و محروم کردن جنبش از پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی بود. طراحان امپریالیستی این توطئه بخوبی واقف بودند که محروم کردن کشورهای عضو جنبش غیرمتعددها از همبستگی و حمایت کشورهای جامعه سوسیالیستی بهترین وسیله هموار کردن راه برای بسازگشت کشورهای نواستقلال به مدار سیاست امپریالیستی و گردن‌نهادن به وابستگیهای سیاسی و اقتصادی و نظامی امپریالیسم جهانی است. سیاست ضد انقلابی و خرابکارانه رهبری ماژوسیستی چین در تقویت این توطئه‌های امپریالیستی علیه استقلال کشورهای عضو جنبش غیرمتعددها، نقش بس مهم و موثر داشت.

اما این توطئه با مقاومت شدید جناح ضد امپریالیست امیل کشورهای غیر متعهد روبرو گردید و در کنفرانس بلگراد، از جانب اکثریت کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس محکوم و رد شد.

دومین کنفرانس جنبش کشورهای غیرمتعددها در اکتبر سال ۱۹۶۴ (مهرماه سال ۱۳۴۳) در قاهره تشکیل شد. در این کنفرانس ۴۸ کشور از آنجمله برای نخستین بار ۹ کشور از آمریکای لاتین شرکت کردند. در این کنفرانس نیز سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز، عدم شرکت در هرگونه پیمان نظامی، مبارزه بر ضد امپریالیسم و سیاست نواستعماری مورد تأیید قرار گرفت.

سومین کنفرانس کشورهای غیرمتعددها که بنا بود در سال ۱۹۶۷ (۱۳۴۶) تشکیل شود، به علت تجاوز دولت صهیونیستی اسرائیل به کشورهای عربی، در این تاریخ تشکیل نشد و پس از سه سال، یعنی سال ۱۹۷۰ (۱۳۴۹) در لوزاکا تشکیل شد.

در فاصله میان کنفرانسهای دوم و سوم جنبش کشورهای غیرمتعددها، جنگ تجاوری-جناپتی- آمیز امپریالیسم آمریکا در هندوچین گسترش یافت و اسرائیل به کشورهای عربی تجاوز کرد. همین مسائل مشخص و تشدید و خامت اوضاع جهان، که نتیجه سیاست تجاوری-گانه امپریالیسم آمریکا بود، موجب گردید که در کنفرانس لوزاکا

بر اتحاد و همبستگی هرچه بیشتر کشورهای غیر-متعددها در مبارزه علیه سیاست تجاوری-گانه امپریالیسم تأکید شود. در این کنفرانس جنگ تجاوری امپریالیسم آمریکا علیه خلقهای هندوچین، تجاوز اسرائیل به کشورهای عربی و اشغال سرزمینهای این کشورها محکوم گردید و نسبت به خلقهای هندوچین و خلقهای کشورهای عرب ابراز همبستگی و همدردی شد. در این کنفرانس بار دیگر بر این مسئله تأکید شد که پشتیبانی کشورهای عضو جنبش غیرمتعددها از جنبشهای رهائی بخش خلقها، بویژه خلق عرب فلسطین، بایستی تقویت شود. در این کنفرانس اعلامیه‌های مربوط به استقلال ناهمگونی و زینبایوه (روزبیا) مورد تصویب قرار گرفت.

چهارمین کنفرانس جنبش کشورهای غیر-متعددها در سپتامبر ۱۹۷۳ (مهر ۱۳۵۲) در الجزیره تشکیل گردید. در فاصله میان سومین تا چهارمین کنفرانس غیرمتعددها، یعنی سالهای ۱۹۷۰-۷۳، در صحنه سیاست بین‌المللی، تحولاتی به نفع نیروهای ضد امپریالیست استقلال طلب روی داد: بتگلادش به استقلال خود دست یافت؛ اختلافات میان هند و پاکستان تا حدودی حل و فصل گردید؛ در لائوس آتش‌بس برقرار شد؛ خلق قبرمان ویتنام در نبرد علیه تجاوز امپریالیسم آمریکا به پیروزیهای بزرگی رسید.

تجارب کشورهای نواستقلال در مبارزه علیه امپریالیسم و بخاطر استحکام مبانی استقلال سیاسی و اقتصادی در جلسات این کنفرانس بازتاب یافت. فیدل کاسترو رهبر کوبا، که در این کنفرانس شرکت داشت، طی سخنرانی خود، ضمن تحلیل اوضاع سیاسی جهانی و مواضع جنبش غیرمتعددها در مسائل بین‌المللی، «نظریه سه توطئه آمیز امپریالیستی- ماژوسیستی» دو ابر قدرت، را محکوم کرد و هدف این «نظریه» را، که بی‌اعتبار کردن و تحریف ماهیت واقعی سیاست اتحاد شوروی و محروم ساختن کشورهای نواستقلال از پشتیبانی اتحاد شوروی است، افشاء کرد. فیدل کاسترو همکاری همه‌جانبه کشورهای عضو جنبش غیر-متعددها با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را بمثابة وثیقه اطمینان بخش پیروزی در مبارزه این کشورها علیه امپریالیسم و بخاطر استحکام مبانی استقلال سیاسی و اقتصادی ارزیابی کرد.

پنجمین کنفرانس جنبش کشورهای غیرمتعددها در کلمپو تشکیل شد. این کنفرانس در شرایطی تشکیل گردید که خلق قبرمان ویتنام در یکبار علیه امپریالیسم آمریکا پیروزی تاریخی کسب کرده بود. توطئه‌های امپریالیسم آمریکا در لائوس و کامپوچیا عقیم مانده بود. رژیم پوسیده امپراتوری هایل سلاسی در آئیوپی و از کون شده و بیجا آن رژیم خلقی انقلابی استقرار یافته بود. کنفرانس صلح و امنیت ازوبا در هلستینگی، پایتخت فنلاند، با موفقیت انجام گرفته بود و روند تشنج‌زدایی بر جو سیاسی اروپا و سراسر جهان تقویت یافته بود. کنفرانس جنبش غیرمتعددها در کلمپو قطعنامه‌هایی در پشتیبانی از مبارزه خلق عرب فلسطین و شناسایی حق تعیین سرنوشت آن و تشکیل دولت مستقل ملی فلسطین، محکوم کردن اشغال سرزمینهای کشورهای عرب از جانب اسرائیل و خواست‌آکید تخلیه این سرزمینها به تصویب رسید.

در این کنفرانس برای نخستین بار مسئله برقراری نظام نوین در روابط اقتصادی بین‌المللی، بعنوان یک پیشنهاد مدون و مشخص، مطرح گردید. کشورهای عضو جنبش غیرمتعددها این پیشنهاد خواستار آن شدند که در این روابط تجدید نظر بنیادی بعمل آید و هرگونه سیاست استعماری و نواستعماری در این روابط طرد گردد. طرح چنین پیشنهادی در کنفرانس غیرمتعددها نشانه توجه عمیق کشورهای نواستقلال به استحکام مبانی استقلال اقتصادی کشور خود و رهائی کامل آنان از وابستگیهای اقتصادی امپریالیسم جهانی و انحصارات سرمایه‌داری بود.

ششمین کنفرانس جنبش کشورهای غیرمتعددها در سال ۱۹۷۹ (مردادماه ۱۳۵۸) در هاوانا، پایتخت کوبا، تشکیل گردید. در فاصله میان کنفرانس کلمپو تا کنفرانس هاوانا، دو حادثه مهم تاریخی، در منطقه خاور نزدیک و میانه روی داد، که در تناسب نیروها بفتح استقلال و آزادی خلقها و به زیان امپریالیسم و ارتجاع جهانی، به سرگردگی امپریالیسم آمریکا، در این منطقه تحولی کیفی پدید آورد. انقلاب شکوهمند مردم ایران پیروز

شد. رژیم دیکتاتوری پهلوی وابسته به امپریالیسم آمریکا و زاندارم منطقه‌ای امپریالیسم جهانی در این منطقه واژگون گردید، امپریالیسم آمریکا بزرگترین پایگاه نظامی، سیاسی و اقتصادی خود در این منطقه را برای همیشه از دست داد. در افغانستان انقلاب دمکراتیک خلق پیروز شد و رژیم دمکراتیک در این کشور استقرار یافت. جمهوری اسلامی ایران از پیمان نظامی سنتو خارج گردید و در نتیجه، این پیمان نظامی امپریالیستی فروپاشید. جمهوری اسلامی ایران به جنبش کشورهای غیر-متعددها پیوست. پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران و استقرار رژیم دمکراتیک در افغانستان موجب تقویت موثر جنبه‌ضد امپریالیستی کشورهای مستقل ملی در منطقه و استحکام مواضع ضد امپریالیستی جنبش کشورهای غیرمتعددها گردید.

در کنفرانس جنبش کشورهای غیر متعهد در هاوانا بار دیگر مسئله نوسازی روابط اقتصادی بین‌المللی در چارچوب مبارزه مشترک خلقها علیه امپریالیسم، استعمار و استعمار نو، نژادگرایی و صهیونیسم و تمام اشکال سلطه بیگانه، مطرح گردید و مورد پشتیبانی کلیه کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس قرار گرفت.

همکاری کشورهای غیر متعهد با کشورهای سوسیالیستی

گسترش هرچه بیشتر روابط نزدیک و همکاری با جامعه کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی، بعنوان پرتوان‌ترین-کنتر سوسیالیستی جهان، با کشورهای عضو جنبش غیرمتعددها، برغم توطئه‌ها و کارشکنیها و تخریقات محافل امپریالیستی، ماژوسیستی و رژیم-بروز در میان کشورهای عضو این جنبش طرفداران بیشتری پیدا میکند. هر قدر که مواضع این کشورها بر ضد امپریالیسم و در راه استحکام مبانی استقلال سیاسی و اقتصادی بیکیتر و قاطع تر میشود، گرایش به این همکاری افزایش می‌یابد. اکثریت قاطع کشورهای عضو جنبش غیر-متعددها طبق تجارب روزمره خود به این واقعیت بیش از پیش آگاه میشوند که، استقرار و استحکام سیستم جهانی سوسیالیسم، افزایش توان اقتصادی و نظامی و نفوذ سیاسی آن، میدان فعالیت امپریالیسم جهانی را در عرصه بین‌المللی و در همه زمینه‌ها تنگتر میسازد و برای پیروزی کشورهای نواستقلال و جنبشهای رهائی بخش ملی امکانات بیشتری فراهم میکند.

امپریالیسم و ارتجاع جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا، به روشنی درک میکنند که روابط استوار و همکاریهای نزدیک سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای نواستقلال با جامعه کشورهای سوسیالیستی به استحکام جبهه ضد امپریالیستی جهانی مساعدت می‌کند و بهین علت دشمنان جنبش غیرمتعددها، با تمام نیرو تلاش دارند که این روابط را تیره کنند.

گسترش جنبش غیرمتعددها و استواری و قابلیت اکثریت کشورهای عضو این جنبش در مبارزه علیه امپریالیسم و هرگونه مظاهر استعمار و کوشش آنان برای برقراری روابط نزدیک با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعه سوسیالیستی، این پیش-بینی دایمانه‌ها نیز بزرگ را تأیید میکند که: «خلقهای زیر ستم در مستعمرات در تاریخ رشد و تکامل انقلاب جهانی، مبارزه انقلابی و جنبش انقلابی نقش بزرگی ایفا خواهند کرد و در این مبارزه با مبارزه ما جریان مشترک را علیه امپریالیسم بین‌المللی تشکیل خواهند داد.»

هفتمین کنفرانس جنبش کشورهای غیرمتعددها با شرکت وزیران امور خارجه این کشورها در دهلی‌نو، مرحله مهمی در تاریخ پیشرفت اهداف کشورهای غیرمتعددها و پیروزیهای جدید آنان در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی و بخاطر حفظ و استحکام استقلال ملی است.

در آستانه برگراری این کنفرانس، سازمان آزادی بخش فلسطین، بعنوان عضو کامل این جنبش، پذیرفته شد و در این کنفرانس شرکت دارد. علاوه بر این، تعداد بیشتری از کشورهای نواستقلال، بویژه از کشورهای آمریکای لاتین در این کنفرانس شرکت دارند و این خود نشانه آنتکه جنبش کشورهای غیرمتعددها، به استحکام اتحاد و همبستگی میان همه کشورهای عضو این جنبش، به عامل هرچه موثرتری در عرصه سیاست جهانی تبدیل میشود.

امام خمینی...

بقیه از صفحه ۱

«کنفرانس که از کشورهای مختلف جمع شدند و با هم نشستند و عقد پیمان بستند، که بر ضد اسلام و مصالح اسلامی، با اسم اسلام، قیام کنند. ما می‌شناسیم. که در طول مدت سلطنتشان، یا ریاست جمهوری-شان، با ملت‌های خودشان چه کردند و با اسلام چه کردند، و با صهیونیسم چند همراه بودند.» امام خمینی سپس به ادعاهای دروغین اشخاص و گروه‌های منحرف اشاره کرد و گفت: «ادعاهای زیاد است، لکن واقعیتها برخلاف ادعاهاست، زیادند اشخاصی که از اسلام دم می‌زنند، لکن وقتی به عملشان رسیدگی میشود، صندر صد مخالف اسلام است. زیادند اشخاصی که از ملت و وقتی به عملشان رسیدگی میشود، صندر صد مخالف اسلام است. زیادند اشخاصی که از ملت و وقتی به عملشان رسیدگی میشود، صندر صد مخالف اسلام است. زیادند اشخاصی که از ملت و وقتی به عملشان رسیدگی میشود، صندر صد مخالف اسلام است. زیادند اشخاصی که از ملت و وقتی به عملشان رسیدگی میشود، صندر صد مخالف اسلام است.»

سرمایه‌داران...

بقیه از صفحه ۱

در اختیار مغازه‌داران قرار می‌داند. مصرف‌کننده، مرغ را کیلویی ۲۸ تا ۳۲ تومان از مغازه‌دار خریداری می‌کند. ستاد بیچ اقتصادی کشور در هفته گذشته، قیمت مرغ را رسا اعلام و نرخ فروش مرغ از سوی عمده‌فروشان به کشتار-کنندگان را کیلویی ۱۷ تومان تعیین کرد. کشتارکنندگان هم موظف شدند که مرغ کشته را طبق قیمت تعیین شده، کیلویی ۲۱۸۸ تومان در دسترس مغازه‌داران قرار بدهند. باین ترتیب، قیمت رسمی مرغ نیز برای مصرف‌کننده به کیلویی ۲۳۳۵ تومان کاهش پیدا کرد. بدینا این اعلام قیمت، تولیدکنندگان مرغ حاضر نشدند نرخ تعیین شده از طرف ستاد بیچ را بپذیرند و از توزیع مرغ خودداری کردند.

مغازه‌داران مرغ، که همه‌جا با مغازه‌داران بسته مرغ فروشی روبرو هستند، در گفت و گو با خبرنگار نامه «مردم» می‌کنند:

«این وضع ناشی از سودجویی سرمایه‌داران است. همینکه دولت قیمت مرغ را کم کرد، آنها از عرضه مرغ به بازار خودداری کردند. گوشت که گران است، مرغ هم که ارزانتر است، یا نباید بخوریم، و اگر بخوایم بخوریم، باید کیلویی ۳۵ تومان برای آن بدهیم. سرمایه‌داران برای اینکه انقلاب به ثمر برسد و منافعتشان حفظ شود، به هر کاری دست می‌زنند، ما حاضریم برای پیروزی انقلاب و از آن و پیرمان هم بگذریم، ولی سرمایه‌داران حاضر نیستند ذره‌ای از منافع خود بگذرانند.»

مردم پیشنهاد می‌کردند: «نست سرمایه‌داران بزرگ هر جا در کار باشد، یا گرانی است و یا کمبود. وقتی بازار در دست سرمایه‌داران بزرگ است، اعلام نرخ رسمی هم از سوی دولت دردی را درمان نمی‌کند. همانطور که می‌بینید، سرمایه‌دارها با عدم عرضه کالای خود به بازار، کمبود موجود می‌آورند. این مشکل وقتی حل میشود که دولت ورود، تولید و توزیع کالا را در دست داشته باشد و یا دقیقاً بر آن نظارت کند.»

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

مادر شهید توده‌ای، کیخسرو کیخسروی ۱۶ بهمن ماه، در مجلس ختم (پرسه) رفیق شهید در سالن انجمن زرتشتیان تهران گفت:

«کیخسرو میگفت ما متعلق به خود و قایل خود نیستیم، ما متعلق به تاریخ یک ملت رنج-دیده‌ایم و باید شایسته اینس وثیقه‌ای که تاریخ به گردن ما نهاده است، باشیم.»

او با تمام علاقه و عشقی که به زندگی، همسر و مادر و خواهر خود داشت، و با وجود علاقت زبانی که او را به زندگی پیوند میداد، با چشمی باز و آگاهانه به راهی قدم نهاده، که احتمال فروغ حادله برای او میرفت، زندگی و شهادت رفیق کیخسرو

تحصیل در دانشگاه با توده‌ای‌ها آشنا شد و اندک اندک به راه و آرزی و استعدادش را در خدمت پیشبرد آرمان مقدس توده‌ای‌ها نهاد. وی پس از انقلاب به حزب توده ایران پیوست و با تمام وجود، جزئی از ارگان زنده و برخوردش حزب توده‌ها شد.

هنگامیکه سربازان منفق خدمت سال ۵۶ را برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در مقابل جنایتکاران متجاوز سدامی، فراخوانند، وی جزء نخستین کسانی بود که برای دفاع از انقلاب و اجرای فراخوان حزبی، خود را معرفی کرد.

این قافله را...

بقیه از صفحه ۱

نقش فعالی را در گانون دانشجویان زرتشتی برعهده گرفت، با جمع-آوری کمک از خود دانشجویان، کتابخانه‌ای بنیاد نهاد، و در تدوین اساسنامه جهت به ثبت رسانیدن «کانون»، شرکت فعال داشت. او در یک دوره یکساله، بعنوان مشاور هیئت مدیره، فعالیت میکرد و این اراخ در حل مسائل جامعه زرتشتی، در انجمن زرتشتیان، نقش بسیار فاسل-برجسته و تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کرد و از محبوبیت خاصی بین آشنایان برخوردار بود.

رفیق کیخسروی در دوران

دهه هشتاد - دهه سرنوشتی در تاریخ

بلون داشتن تصور روشن از آنچه که در جهان می گذرد، نمی توان از مسیر آبی انقلاب ایران تصور روشنی بدست آورد.

ما وارد سال ۱۹۸۱ شده ایم ، دهه نهم قرن بیستم دیگر آغاز شده و مقرر است که این دهه ، به دهه سرنوشتی تاریخ بدل شود . امپریالیسم (سرمایه داری بزرگ انحصاری دولتی) که سرکسوده آن امپریالیسم هار آمریکا است ، به همراه یکن (که حساب های " شامورتی بازی " عجیبی را به سود سیطره جهانی خود دنبال می کند) می خواهند سیر تاریخ را در مجرای دل بخواه خود بیفکنند .

بنا به عقیده آنها ، رویداد های که از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در ۱۹۱۷ شروع شده ، خطای تاریخ است . به عقیده آنها عدم کامیابی هیتلر و متحدان آشکار و نهانش در شرق و غرب برای محو اشتباهات پیش بینی پذیر بوده است . هیتلر " حماقت " کرده است . به عقیده آنها ادعای آنکه تاریخ دارای یک مسیر پیشرونده است ، ادعای غلطی است .

سرمایه داری و همه نیروهای مترجم جهان هنوز بسیار بسیار امیدوارند و چشم به راه روزی هستند که همانطور که مروج آلن سفیر اسبق آمریکا در ایران هوس داشت - پرچم ستاره و نوار بر فراز کرملین به اهتزاز در آید ! ولی بنا به جامعه شناسی علمی ، طی دو دهه آینده - با تکیه به آنچه که در هشت دهه اول قرن بیستم گذشته - تناسب نیروی اقتصادی ، نظامی ، سیاسی و فرهنگی چنان به سود نیروهای انقلابی جهان دست خوش دگرگونی قاطع خواهد شد ، که

تاریخ انسانیت وارد مرحله کیفی نوینی خواهد گردید که مشخصات عمده آن ، صلح پایدار ، دوستی خلقها و پایان بهره کشی است . چندی پیش در مصاحبه ای با ژنرال چهارستاره هیگ ، فرمانده سابق " ناتو " و وزیر خارجه کنونی رنالد ریگان ، از وی پرسیدند که وضع را چگونه می بیند ؟ هیگ در کمیسیون خارجه سنا گفت که تحول تناسب نیروها بین " شرق و غرب " طوری است که اگر چند سال دیگر ادامه یابد ، سیاست غرب فلج خواهد شد . روشن است که آقای ژنرال چهارستاره نماینده " مجتمع نظامی - صنعتی " آمریکا ، از این سخن یک منظور اساسی را دنبال می کند و آن اینکه ؛ پس باید آمریکا و اروپای غربی و ژاپن - چهار اسبه در جاده تسلیحات دم - افزون بتازند و بر حریف برتری یابند . ولی در این اظهارات هیگ در کمیسیون سنا ، یک اعتراف ناگزیر نیز وجود دارد و آن اینکه ؛ امپریالیست ها نتوانستند ، علی رغم تلاشهای فراوان از سیر مستمر تحول انقلابی جهان جلوگیری کنند . اصرار آنها در باره آن که باید " وضع موجود (Status Quo) در جهان حفظ شود ، بجایی نرسید . پاسخ کشورهای سوسیالیستی روشن بود ؛ احدی حق ندارد و نیز نمی تواند جلوی سیل غران تکامل تاریخی

سد بکشد . نیرو و خرد خلقها از زور و نیرنگ ستیزگران خلقها بالاتر است ؛ تصور سیاستمداران سرمایه داری ، که به این زاینده کی تاریخی جنبش خلقها باور ندارند ، همیشه طی قرنهای ۱۹ و ۲۰ آن بوده و کماکان هست که ، فلان ناکامی ناشی از فلان اشتباه محاسبه بوده . مثلا اخیرا " در " سیا " خانه تکانی مفصلی می شود . دریا سالار ستانفیلد ترنر ، رئیس " سیا " که کارتر او را با سلام و صلوات آورده بود ، متهم می شود که به نوعی " جنون کومپوتری " دچار بود و نقش کهنه و مطمئن " تحلیل سیاسی " را ناچیز گرفته بود ، اکنون جاسوس پیر فریبی به نام ویلیام کی سی رئیس " سیا " می شود که از هواداران پروپا قرص " تحلیل سیاسی " است ! " تحلیل سیاسی " آقایان به کجا می رسد ؟ به اینجا که باید حتما و حتما " سود حداکثر شرکت های چند ملیتی ، که در آنها آمریکا " سهم شیر " دارد ، رو به فرونی برود . در پشت جلد شماره ۱۹ مجله آمریکایی " تایم " تصویر جالبی است از دلار به صورت یک دیوار در حال فرو ریختن که با انواع شمع و طناب عجالتا سر پا نگاه داشته شده و وظیفه ریگان آنست که این دیوار تمام ویران تعمیر نماید یا تعمیر کند ! مجله اعتراف دارد که مثلا نرخ روز - افزون تورم را (که گاه تا ۱۳٪ در سال

رسیده) ، نمی توان مهار کرد ، زیرا همه خانواده های متوسط آمریکایی ، که در سال ۱۹۷۵ از بانکها وام گرفته اند ، امسال بجای یک دلار فقط شصت سنت می پردازند و این منبع خوبی برای میلیون ها خانواده است ، که تازیان به سر آمدن سرکش تورم می - زند . چگونه می توان این آژسودجویی را ، که خود سرمایه داری مولد آنست ، متوقف ساخت ؟ پیش بینی می کنند که پدیده " سوم رکود - تورم " Stagflation در دهه هشتاد ادامه خواهد یافت . از همه بالاتر ، سیر تاریخ را با یک چند رقم ، با یک چند واقعیت ، نمی - توان پیش بینی کرد . تحلیل تاریخ کار ساده ای نیست . ما وقتی از تحلیل تاریخ سخن می گوئیم ، محورهای اقتصادی ، سیاسی ، نظامی ، فرهنگی و مدنی متعددی را در حساب وارد می کنیم و نتیجه می گیریم ؛ تاریخ اگر چه دارای مسیری پرتضارسی ، و در دوره های کوتاه پیش بینی ناپذیر است ، ولی در مجموع پویای پیشرونده و پیش بینی پذیر دارد . در تاریخ اگر چه سیر خود بخودی همیشه بسیار قوی بوده ، ولی در عصر ما سیر آگاهانه ، رهبری آگاهانه ، تاثیر عامل آگاهانه انقلابی بسیار نیرومند است و به همین جهت ما با اطمینان می گوئیم که دو دهه باقیمانده از سده بیستم ، دهه

های سرنوشتی برای انسانیت است و ما بی تزلزل برآنیم که این دهه ها به سیطره بول بر فضایل اخلاقی و علمی و معنوی خاتمه خواهد داد و گوساله پرستی سامریان عصر اتم را به زباله دان تاریخ خواهد فرستاد .

ایران ما از کانون های سوزان این سیر بر تعب ، ولی افتخار آمیز است . ای چه بسا امپریالیسم بتواند در این کشور فسادها و فتنه های سرکش آلود برپا کند ! کدام تحول انقلابی در جهان از این مصائب تضمین شده است . ولی ایران به زنجیرهای اسارت امپریالیسم ، بسر - کردگی آمریکا ، بازگشتنی نیست و این ریگان ها ، بختیارها ، اویسی ها و صدام ها نیستند که آینده این کشور را معین خواهند کرد .

برخی از عناصر کوتاه بین ، که علاقه آنها به " شیوه زندگی آمریکایی " از دل بستگی آنها به تکامل تاریخ مینشان زیادتر است ، با بزرگ کردن این یا آن واقعه گذرا و توصیف فاجعه آمیز از وضع ، کم کم کار را به مدح و ثنای دوران ننگین پهلوی کشیده اند !

به آنها که حسن نیتی دارند می گوئیم ؛ از یک واقعه شروع نکنید برای آنکه تاریخ جهان معاصر را بفهمید . از تاریخ جهان معاصر شروع کنید . برای آنکه فلان واقعه را در چارچوب واقعی آن قرار دهید . از خود منشا نگیرید ، برای آنکه حرکت جامعه را بفهمید ، از حرکت مستقل خود را تشخیص دهید . این دو روش ، یکی روش خود - خواهانه لیبرالی است و دیگری روش فداکارانه انقلابی . انتخاب با شماست !

گستاخی لیبرال ها

لیبرال ها تمام سیاستشان ضد خط امام است، ولی باز مدعیند که در خط امام اند!

را به روشنی دریابیم امام خمینی در یکی از آخرین سخنان خود به درستی می گویند : " ما باید همه کوشش کنیم که امید ایجاد کنیم در ملت . ولی " فاطمه - ح " این عضو خاندان لیبرال ها ، درست برخلاف خواست امام خمینی ، درباره انقلاب آیه یاس رقم می زند ، تمام راه آورد های گرانقدر انقلاب بزرگ و شکوهمند ۲۲ بهمن را نادیده می گیرد و چنان منظره تاریک ویاس اور و هولناکی از انقلاب ترسیم می کند ، که گویی لشکر جرار مفلول بر این کشور تاخت آورده اند . " فاطمه - ح " می نویسد :

" این همه ظلم و شکست در این انقلاب را چگونه تحمل کنیم ؟ " " اختناق هست ، سانسور هست ، ظلم هست ، بی عدالتی هست ، ندانم . کاری هست ، تنظیم و توزیع کارها بر - اساس روابط و نه ضوابط هست ، نفوذ خائنین شناخته شده راست و چپ هست ، فشار هست ، تبعیض هست ، اختلاف هست ، امنیت نیست . " سپس مظلوم نمایی می کند که : " اگر مرایی گناه و به جرم اعتراض به ظلم بگیرند بی مجوز زندانی کنند ، دادمان را کسی نمی شنود ، و اگر آزادمان کنند ، جرات شگایت و تقییب نداریم . ای امام ، خدا را به شهادت می گیرم که دلم خون انقلاب و اسلام است . " فاطمه - ح " برای آن که منظره موحشی را که خود ساخته است تکمیل کند ، می نویسد :

" چهره ها دیگر نه لبخند مهر و اتفاق ، که اخم کینه و سو ظن دارند ، در چشمها دیگر نه نور وحدت و تفاهم ، که برق خشم و نومیدی است . " امام خمینی در خطاب به ارباب مطبوعات گفته اند : " انتقاد صحیح باید بشود . و بر خلاف دعوی " فاطمه - ح " چنین نیست که " منتقد " بی غرض پاداشی زندان باشد . اما آنان این لجن پراکنی ها را می توان " انتقاد و یا اعتراض به ظلم " گذاشت ؟ اگر چنین باشد ، باید بدبذیریم که " بی غرض ترین " اعتراض کنندگان به ظلم " رادیوهای ضد انقلابی " بی بی سی و " صدای -

اما هیچ یک از مواضع سیاسی واجتماعی و اقتصادی شان شباهتی به مواضع امام خمینی ندارد ؟ امام خمینی با قلبی سرشار از نفرت و کینه مقدس نسبت به ام الفساد دهر و دشمن اصلی خلقها - امپریالیسم آمریکایی گویند :

" تا زنده ایم نخواهیم گذاشت ، هستی ما به کام آمریکا برود . " اما لیبرال ها معتقدند که آمریکا انقلاب ایران را تائید کرده و توطئه های آمریکا را علیه انقلاب ایران " فرهی " می دانند و به همین جهت با برزیسی ملاقات محرمانه می کنند . امام خمینی در جای دیگر به مناسبتی دیگر می گویند :

" ما الان در اول قدم هستیم و باید کوشش کنیم و همه ما کوشش کنیم ، همه ملت کوشش کنند ، هر کسی در هر جا که هست کوشش کند و کوشش اش این باشد که ما باید وابسته نباشیم . " لیبرال ها درست برخلاف گفته امام خمینی تاکید می کنند که : " چون وابسته بوده ایم ، باید وابسته بمانیم . " امام خمینی معتقدند که : " این اشغال لانه جاسوسی یک جنبه سیاسی داشت ، یک ارزش سیاسی داشت ، که همه ارزشها پیش آن کوچک اند . " و لیبرال ها می نویسند : " جریان گروگان گیری ... بر - انگیزختن احساسات عمومی جهان ، بر ضد انقلاب و جمهوری اسلامی است . " امام خمینی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را گانججویان مسلمان و مبارزی می دانند که " با عمل انقلابی خودشان ضربه ای بر پیکر آمریکای جهان خواروار آورده اند و ملت را سرفراز کردند . " اما لیبرال ها در مخالفت آشکارا این ارزیابی درست امام خمینی ، دانشجویان را در خط شیطان خواندند . امام خمینی اشغال جاسوخانه آمریکا را " انقلابی بزرگتر از انقلاب اول " نام گذاردند و لیبرال ها مدعی شدند که :

کشید . امام خمینی می گویند : " تضعیف نکنید دولت را ، تضعیف نکنید اشخاصی که خدمتگزار هستند . " اما لیبرال ها میان مسئولان جمهوری اسلامی و طاغوتیان دولت مدار نظام مغفور گذشته علامت تساوی می گذارند و با قلم " فاطمه - ح " می نویسند :

" ای امام ! این نود و لوتان را بر سر جای خودتان نشان که فقط دو سال است از شر آن مستکبران قدرتمند رها شده ایم . " امام خمینی می گویند : " اگر بخواهید که کشورتان مستقل باشد ، اگر بخواهید که کشورتان روی پای خودش بایستد و بخواهید آزاد باشید ، باید از این طور مناقشات دست بردارید و همه نظر حسن بکنید و برادروار همه کمک بکنید تا این کشور به مقصد خودش برسد . " اما لیبرال ها دعوت امام خمینی را به حفظ آرامش و همکاری که با توجه به حساسیت شرایط است ناشنیده می گیرند و بمنابا " جاده صاف کن ضد - انقلاب " زیر پوشش " اعتراض به ظلم " به کل انقلاب می سازند و هر کس و هر چیز را که برخلاف منافع خود تشخیص دهند ، به باد حمله و دشنام و اتهام می گیرند . امام خمینی می گویند :

" درصدد نباشید که این گروه ، آن گروه را عقب بزنند و آن گروه ، این گروه را . " اما لیبرال ها فکر و در کوه و غم شان اینست که به بهانه " عدم تخصص " ویاسوا استفاده از نارسایی ها ، کمبودها تناقض و اشتباهات ، مسلمانان انقلابی را به درون خانه ها و مساجد فرستند و خود بر مسند قدرت دولتی جای گیرند . امام خمینی می گویند : " بالاترین گرفتاری ما حب جاه است . و حب جاه و مقام و مهم تر از همه تا مین منافع طبقاتی ، چنان لیبرال ها را از خود بی خود ساخته ، که با تمام توان برای مسخ انقلاب و برقراری دولت " میانه رو " ای خود می کوشند . آنان را باکی نیست که در گریور دار این مناقشات ، بقیه در صفحه ۶



آیا لیبرال ها کسی را گانججو می دانند؟

کارگران معدن سرب نخلک (انارک - نائین):

ما حاضریم دست به هر گونه فداکاری در راه انقلاب بزنیم

باید از امکانات شهرک انارک کمال استفاده بعمل آید

وما حاضریم دست به هر گونه فداکاری در راه انقلاب بزنیم. برای این که کمکی برای مردان خود باشد، برای سرمایه داران قالی بافند. اگر بعضی از آنها بتوانند سرمایه اندکی فراهم کنند و قالی بافند با دست آخرد جا رهمان سرمایه داران و تجار قالی خواهند شد. تنها با ایجاد شرکت های تعاونی تولید و فروش فرش می توان از این قشر صنعتگران زحمتگزار روستایی و شهری حمایت کرد. بعد از انقلاب، به خواست اهالی و به همت شورای محلی، قسمتی از بیابان لم یزرع (غیر قابل کشت) اطراف، که قبلاً توسط چند نفر زمینخوا خرید و فروش می شد، بلاک بندی شده و به هر خانواده بدون مسکن یک بلاک داده شده است.

همچنین نیروگاه شبانه روزی برق انارک تمام و افتتاح شده است. تعدادی از جوانان فداکار نیز با شرکت در جهاد سازندگی، اقدام به آبادانی و تعمیر "واحه" های زراعتی محل کرده اند.

رهای مطلقه انارک عموماً به کارخانه داری مغلندودر کنار قالی نسج می یافتند.



در حال استخراج سرب هستند. شاید گلوله ای شود بر قلب امپریالیسم آمریکا

قالی های بی که در این منطقه بافته می شود، از نوع قالی های مرغوب نائینی است. ولی اغلب قالی بافان سرمایه ای از خود ندارند

انکار نه انکار که این دستور اما ما است که با یدت ما میسوادها با سوادشوند و همه فنون نظامی را فرا گیرند. ولی با همه اینها، بقول ما مخمینی، این انقلاب، انقلاب زاغه نشینان بر علیه مستکبرین است. پس ما که مستضعفتر از خود نمی شناسیم، با یدت با ای جان از این انقلاب حمایت و پشتیبانی کنیم. او از خاطرات گذشته خود می گوید:

در زمان طاغوت به خواست و تلاش کارگران، چند روزی به کارگران شیر دادند، ولی زود قطع کردند. وقتی کارگران اعتراض کردند، مسئول اداره کار و امور اجتماعی آن زمان امفهان به محل معدن آمد و گفت: "چون شما در معدن سرب کار می کنید، اگر شیر بخورید خیلی زود می میرید!" او با تاکید کرد:

"ما میدوایم که در جمهوری اسلامی دیگر هرگز این گونه افراد در راس کارها قرار نگیرند."

سرب، در حال استخراج و دولتی معدن "تال سی" در بیست و چهار کیلومتری انارک، (معدن مس و وانیم، متروک) توده زحمتگزار این منطقه بحق انتظار دارند که دولت انقلابی جمهوری اسلامی ایران، برای بکار گرفتن نیروی بیکار آنان و همچنین حرکت در آوردن هر چه بیشتر خرابی اقتصاد کشور، اقدام به استخراج و تولید تعدادی از این معادن کند. یکی از جوانان انارکی بنام احمد، که بطور موقت در معدن نخلک مسغول بکار شده است، می گوید:

"تنها در شهرک انارک دهها دختر و پسر جوان دیپلمه و بالاتر هستند، که بیکارند." او اضافه کرد که:

"ما حاضریم دست به هر گونه فداکاری در راه انقلاب بزنیم، ولی متقابلاً از دولت انقلاب انتظار داریم که مشکلاتمان را، که بزرگترین آنها بیکاری است، بتدریج حل کند."

شهرک کارگری "انارک" در حدود ۹۰ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان نائین قرار دارد. بخش انارک در ناحیه خشک نیمه صحرائی حاشیه کویر واقع است. معدن سرب نخلک بزرگترین محل کار اهالی این منطقه است که کارگران بسیاری از نواحی اطراف، حتی زجا های دور دست، از قبیل "چوپا نسان"، "چندق"، "قوخی"، "ایراج" و "خور" از توابع خور و بیابانک به آنجا آمده اند و در حال حاضر مسغول کارند.

شهرک انارک حدود سه هزار نفر جمعیت دارد. بیشتر مردان روستا در طول هفته برای کار در محل "معدن نخلک" بسر می برند و تنها در روزهای تعطیل برای دیدار خانواده های خود به انارک می روند.

معدن سرب نخلک بزرگترین معدن در حال استخراج این منطقه است که حدود شصت نفر کارگر در آن مسغول بکار هستند. معدن در صورت توسعه، گنجایش اشتغال بکار بیش از هزار نفر کارگر را دارد.

در هوای خشک و نامطبوع "معدن سرب نخلک"، کارگران با چهره های استخوانی و سوخته و با سوری ستودنی تلاش می کنند، تا از عمق دویست متری زمین، مقداری سرب بدست آورند، تا شاید گلوله ای بشود، بر قلب امپریالیسم آمریکا. دشمن اصلی مردم ایران و تمام مستضعفین روی زمین.

بیکاری با وجود امکانات کاری

در حالی که امکاناتی از قبیل معادن غنی و متروک و همچنین آموزشگاه های آموزشی نخلک وجود دارد، صدها جوان دیپلمه و مستعد این منطقه بیکارند. در محل معدن سرب نخلک آموزشگاه های با امکانات و وسایل آموزشی کافی وجود دارد، که قبلاً هر سال ده ها تکنسین معدن در آن تربیت می شدند. ولی این مرکز پس از انقلاب به علت سهل انگاری مسئولان امروز معدن نامین بودجه آن، به تعطیلی گسیخته شده است.

همچنین در اطراف انارک، معادن بسیار غنی و دست نخورده ای وجود دارد، که در صورت شروع به استخراج آنها، هم بخشی از نیروی بیکار منطقه بکار گرفته می شود، هم احتیاجات صنعتی کشور از لحاظ بسیاری از مواد خام و اولیه برآورده خواهد شد. تعدادی از معادن این منطقه عبارتند از:

۱- معدن "پیوک" در دو کیلومتری انارک. (معدن قلع، حدود سی سال است که متروک است.)

۲- معدن "کال کافی" در پنجاه کیلومتری انارک. (معدن طلای زرد که معدنی است غنی و حدود سی سال متروک بوده است.)

۳- معدن "خونی" در پنجاه کیلومتری انارک (طلای زرد، متروک.)

۴- معدن "سیاه کو" در هفتاد و پنج کیلومتری انارک (معدن سرب، خصوصی و در حال استخراج و قابل توسعه.)

۵- معدن "نخلک" در چهل و پنج کیلومتری انارک، (معدن

اغلب کارگران بی سوادند و "بسیج" هم ندارند

با اینکه حدود سیصد مردان



ما حاضریم دست به هر گونه فداکاری در راه انقلاب بزنیم

کارگران ساغل بکار در معدن نخلک بی سوادند، هنوز هیچگونه اقدامی برای تشکیل کلاس های سواد آموزی کارگران انجام نگرفته است. همچنین با اینکه بیست و چهار کارگر در شوقاً موختن فنون نظامی را دارند، ولی کلاس های "بسیج" برای آنها تشکیل نشده است. البته در شهرک انارک در سطح دانش آموزان کلاس بسیج وجود دارد، ولی با توجه به اینکه کارگران تقریباً تمام وقت خود را در محل معدن سرب نخلک می گذرانند و با توجه به اینکه طبقه کارگر ایران بزرگترین پشتیبان و حامی انقلاب است، لازم است که در محل معدن سرب نخلک نیز کلاس های بسیج و سواد آموزی ایجاد شود. یکی از کارگران با سابقه معدن، بنام عباس علی، در این خصوص می گوید:

"من بیست و پنج سال است که در این معدن کار می کنم و بیش از هر کس به درد کارگران معدن کار آشنا هستم. ما می خواهیم با سواد شویم و تعلیم نظامی ببینیم، ولی مثل اینکه مسئولان این معدن گوششان به این حرفها بدهکار نیست و

کارگران کارخانه نساجی سمنان:

عراق بدستور آمریکا به ایران حمله کرده است. ما سرانجام پیروزمی شویم

خانه سالن غذاخوری داشته باشد؟ آیا نم به با وعده می دهند، اما سبیل نگاریها وجود دارد." در این کارخانه از وجود کودکانی که با ید در جنبین سنی به تحصیل میردا زند، و بیاموزند، برای سوجدوبی بیشتر، استفاده می کنند.

از کار کودکان در کارخانه ها و کارگاهها با ید جلوگیری به عمل آیدو شرایط لازم جهت تحصیل و تفریح کودکان فراهم شود. همچنین با ید کارگاههایی را که از کودکان در کارخانه استفاده می کنند، مورد بازخواست و مجازات قرار داد.

محلی نیز برای ناهار خوری با ید ایجاد شود تا کارگران بتوانند هنگام غذا خوردن از محیط ناسالم و غیر بهداشتی کارخانه درمان باشند.

نظر کارگران درباره جنگ

کارگران درباره جنگ گفتند:

"یک روز از حقوق خود را به امر جنگ اختصاص داده ایم، تا به رزمندگان جبهه جنگ کمک کرده باشیم. برای اینکه در آمادگی رزمی باشیم، کارگران آموزش اسلحه می بینند. عده ای از کارگران هم به جبهه رفته اند."

کارگرد دیگری گفت:

"صدام حسین با همکاری آمریکا به ایران حمله کرده است. آنها انتظار داشتند، که در دو روز اول جنگ پیروز شوند. ولی امروز توده های قهرمان میهن ما نشان دادند که می توانند تاج و تکران را شکست دهند. ما

با لایحه پیروزمی شویم."

دست ها بمان در تماس با روغن و قطعات دستگا ههاست. بعد از پایان کار با ید بدنمان را بشوئیم. ولی در طول ماه فقط یک قالب ما بون برای شستشو می دهند و این املا برای کارگران کافی نیست."

از کارگران نظرخواهی نمی کنند

کارگرد دیگری گفت:

"برای رسیدگی به وضع کارگران و رفع مشکلاتشان، خود کارگران می توانند پیشنهاد های خوبی بدهند. ولی از کارگران نظرخواهی نمی کنند. با لارفتن قیمت ها، دستمزد ما املا نمی تواند جوابگوی هزینه زندگی باشد. مگر ما نباید زندگی کنیم؟ مگر ما نماده ما نباید از حد اقل شرایط زندگی برخوردار باشن؟"

تا مین وسایل و امکانات بهداشتی برای حفظ سلامتی کارگران ضروری است. ساعتها کار در محیطی غیر بهداشتی، بدون داشتن وسایل بهداشتی برای محافظت خود از گردوغبار ناشی از کار، می تواند بی ضروری جان کارگران را تهدید کند. با ید برای کارگران وسایل بهداشتی، چون ماسک و تهویه تهیه شود.

بمپره کشی از کودکان در کارخانه

کارگرد دیگری، در حالیکه از کار کودکان در کارخانه کله داشته گفت:

"در کارخانه هنوز از وجود کودکان استفاده می شود. با ید از کار این کودکان جلوگیری کرد. وی در ادامه سخنان خود گفت:

"کارگران به علت نداشتن ناهار خوری مجبورند در حالیکه پشت دستگا هها ایستاده اند و کار می کنند، ناهار خود را در همانجا بخورند. چرا نباید کار

با سقوط رژیم طاغوت، وظایف گوناگونی به انقلاب محول شد. از عمده ترین این وظایف تا مین خواست های زحمتگزار میهنمان برای ایجاد زندگی بهتر بود. وظایف ای که هنوز گام های مهم و قابل لمس آن در راه است. اقدامها در شعرا نمی توانند خلاصه شود. باقی ماندن در شعرا و عدم اجرای طرحها تنها می تواند جهت ناراضی کردن کارگران و در نتیجه تضعیف انقلاب باشد. باید با حل مشکلات کارگران و تأمین خواست هایشان، پایه های انقلاب را هر چه مستحکم تر ساخت و از نیروی عظیم آنها برای پیش برد اهداف انقلاب یاری گرفت.

کارگران نساجی سمنان نیز گروهی از کارگران میهنمان هستند که با پیروزی انقلاب، امید به تحقق خواستهای خود دارند. خواست های که تاکنون برآورده نشده است. با اینحال این کارگران هنوز به انقلاب امیدوارند و خواهان زنده ماندن انقلاب و دستاوردهای آن دفاع کنند.

مشکلات کارگران و خواستهای آنها

از مشکلات کارگران کارخانه نساجی سمنان مسائل منفی آنهاست. مشکلی که پس از دو سال هنوز لاینحل باقی مانده است. برای آشنایی بیشتر با مشکلات کارگران، با چند نفر از آنها به گفتگو نشستیم.

یکی از کارگران گفت:

"فخای کارخانه، جا شیکه دستگا ه های با فندگی و ریستنگی و حلاجی قرار دارند، برای زگردو خاک و ذرات پنبه ای سمک در نتیجه کارگران، برای کسار، احتیاج به فضای سالم و وسایل بهداشتی دارند. در حالیکه تعداد کمی از کارگران از این امکانات برخوردار هستند. با ید برای تمام کارگران این امکانات فراهم شود. در مدتی که پشت دستگا هها کار می کنیم،

چماقداران هنوز بر انقلاب می تازند...

چماقداران همچنان یکه تازند، چماق کشان، بدون هراس و تردید، به دفاتر احزاب و سازمان های سیاسی حمله می کنند، روز روشن بساط کتابفروشیها را درهم می ریزند، شبانه به کتاب فروشیها می ریزند و آنها را آتش می زنند. وقتی هم که ماموران آتش را خاموش می کنند، باز هم برمی گردند و با مواد منفجره قوی تر، دوباره کتاب سوزان راه می اندازند. چماقداران خیلی بی پروا به تظاهرات حمله می کنند، به مساجد می ریزند و ... این اوج حملات چماق داری است، اما اصلاً تازه نیست. روز بیست و دوم بهمن وارد دومین سال یکه تازی چماقداران می شویم. بله، درست است. چماقداران با اندازه عمر انقلاب دوام آورده اند! البته اینها چماقداران بعد از پیروزی انقلابند، ولی حتماً بیشترشان همان چماقداران قبل از انقلابند: یک روز برای دفاع از شاه ملعون قه می کشیدند و با چماق به مردم حمله میکردند. امروز برای برگرداندن رژیمی مثل رژیم شاه، یا کمی ملایم تر از آن - میانه رو - مچری بخشی از نقشه های امپریالیسم آمریکا هستند. فقط پس از انقلاب، عناصر نا آگاه و فریب خورده ای هم در بین چماقداران حرفه ای بر خورده اند.

اولین چماقداران روز ۲۴ بهمن ۱۳۵۷ - دو روز بعد از پیروزی انقلاب - در خیابان انقلاب به زنان حمله کردند. آنها که خود را مسلمانان متعصبی معرفی می کردند، شعار می دادند: «یا روسری، یا توستری!» و توانستند پناه ساز اولین تظاهرات علیه جمهوری اسلامی ایران بشوند. وقتی اولین حمله چماقداران با بی اعتنائی «قانون» روبرو شد، وقتی در کمال تاسف، برخی از مقامات مسئول درباره عمل وحشیانه و تحریک آمیز، گفتند: «مردم با زنان بی حجاب مخالفتند، ضد انقلاب، گستاخ تر شد، طولی نکشد که در سراسر کشور موج چماقداران زیر نقاب «اسلام» برای افتاد. چماقداران ادعا کردند که فقط با «حزب الله» موافقت و چنین ادعا کردند که «حزب الله» یعنی «حزب اسلامی» و بقیه احزاب باید نابود شوند و زودتر از همه حزب توده ایران، بعد حمله سراسری به دفاتر حزب توده ایران و نامه «مردم» و فروشنده گان آن آغاز شد. چماقداران کوبیدند و آتش زدند. حزب توده ایران در دام این توطئه نیفتاد. آن را شناخت و افشا کرد: چماقداران عاملان ضد انقلابند، چه آگاهانه و چه نا آگاهانه. آنها انقلاب را نشانه گرفته اند و حمله را از حزب توده ایران آغاز کرده اند. اما متأسفانه به این هشدار توجه ننند. ضد انقلاب به فعالیت ادامه داد. ابتدا نوبت احزاب و نیروهای مترقی پیرو سوسیالیسم علمی بود. نخست سراغ حزب توده ایران آمدند. عین همین ماجرا در مورد فدائیان خلق (اکثریت) تکرار شد. بعد ضد انقلاب سر وقت نیروهای مسلمان رفت. چماقداران به اسم «مجاهد» به پاسدار حمله کردند و به اسم پاسدار به «مجاهد» جنگ مغلوبه شد. اگر انقلابیون با تجربه بدم نیافتادند، متأسفانه جوانان صادق انقلابی بدم افتاده بودند.

حملات چماقداران تنها به افراد و دفاتر نبود،

کتابفروشیها هم با موج های بی در پی حمله ضد انقلابیون روبرو بودند. البته مطابق نقشه، اول به کتابفروشیهایی که کتابها و نشریات غیر - مذهبی می فروختند، حمله میشد. در تمام این مدت، که نزدیک به یک سال و چند ماه طول کشید، متأسفانه بیشتر نیروهای مسلمان طرفدار انقلاب، یا با بی تفاوتی با این مسئله روبرو شدند و یا حتی به گوشه و کنایه و گاه آشکارا آنها را حمایت کردند. حزب توده ایران

چماقداران ابتدا به نام «اسلام» به پیروان سوسیالیسم علمی حمله می کردند و حالا به نام «کمونیسم» به احزاب اسلامی یورش می برند.

بکرات گفت که حملات چماقداران از نیروهای مترقی چپ شروع شده، اما همین جا متوقف نخواهد شد، هدف چماقداران انقلاب است. اما بودند کسانی و روزنامه هایی که یا پندار «مردم» علیه «چپها» وارد عمل شدند و چماقداران را مستقیم و غیر مستقیم تأیید کردند. متأسفانه برخی از مقامات هم در عمل بر این حملات صحنه می گذاشتند. پرده اول چماق داری، که در خلاصه ترین شکل، آن را بیان کردیم، بعدها زخمی و کشته بجای گذاشت، خرابی مفصلی را سبب شد و مهمتر از همه، توانست سبب نفاق و درگیری در بخشی از نیروها و تشنج و درگیری در بسیاری از نقاط شود.

پرده دوم یا حمله به بخش دیگری از نیروهای مسلمان آغاز شد. ابتدا به «جاما» حمله کردند. بعد به «جیش مسلمانان مبارز» حمله بردند، که خوشبختانه در هردو مورد، این حمله عقیم ماند. سپس در اوج تبلیغات لیبرالها علیه «خط امام»، به «میزان» و «کانون ابلاغ شریعتی» حمله کردند. دیگر معلوم شد که چماقداران «مردم» نیستند و هدف آنها فقط مبارزه با «چپ» نیست، بلکه زیر نام های مختلف و با پناه های گوناگون میخواهند نیروهای اصیل انقلابی را بکوبند، بین آنها تفرقه ایجاد کنند، تشنج و درگیری ایجاد نمایند و بدینسان چپ - انقلاب را تضعیف کنند. عده ای هم - هم بین چماقداران وهم بین کسانی که مورد حمله قرار میگیرند - نا آگاهانه در این دام می افتند.

خوشبختانه مقامات مسئول این بار توجه جدی تری به چماقداران کردند. اما چپه تهران گفت: «گاهی ۹۰ نفر، ۱۵ نفر، در فلان خیابان، در فلان شهر، در فلان شهر کوچک یا بزرگ راه می افتند، با عناوین مختلف به مراکز، به کتابفروشیهایی حمله می کنند. بدانند که این کار خطا و خلاف است... اینگونه حادثه ها بسرای جمهوری اسلامی زشت و سنگین است.»

(۲۱ شهریور ۱۳۵۹)
از این پس چماق داری اندکی کاهش پیدا کرد، اما متوقف نشد. از روز ۲۰ آبان ۵۹، بعد از آغاز جنجالی

که بدنبال دستگیری صادق قطب زاده پیش آمد، موج تازه ای از چماق داری براه افتاد. چماقداران پرده سوم، که از سخنرانی احمد سلامتیان در مشهد فعالیت خود را آغاز کردند، روشی تازه ای پیش گرفتند. در سخنرانی های دوجناح دو دسته شدند. گروهی به سود این جناح و دسته ای بنفع آن جناح شعار دادند. بعد هم با چماق بچان هم افتادند. در اسفهان اتومبیل یک سخنران را درهم شکستند. بعد هم، «دست آخر»، یک مشت چماق دار به دفتر حزب جمهوری اسلامی حمله کرده و به تخریب آن می پردازند. آیا مردم حق ندارند از خود بپرسند، مگر در دفتر حزب جمهوری اسلامی جز کتاب و قلم و بیانیه و دفتر و کاغذ چیز وجود داشته که باید نابود شوند؟

نظیر این حوادث در چند شهر دیگر نیز صورت گرفت و عده ای چماق دار دفاتر حزب را تخریب کرده اند.

(روزنامه جمهوری اسلامی - ۷ بهمن ۱۳۵۹)
و صد البته که چماقداران، وقتی به دفاتر حزب توده ایران هم حمله کردند، در آنجا هم چیزی غیر از کتاب و قلم و بیانیه و دفتر و کاغذ نبود. و این یک طرف حملات چماقداران است. از طرف دیگر، روزنامه «انقلاب اسلامی» هم از حملات چماق داری می گوید و می نویسد که: «یک گروه چماق دار به مردمی که برای استماع سخنان رئیس جمهور جمع شده بودند، با چوب و گش می کنند.»

(۱۱ بهمن ۵۹)
و خبرها ادامه دارد: «چماقداران به مسجد میرزا داوود در همدان حمله کردند.» (انقلاب اسلامی - ۱۱ بهمن ۵۹)

«ضد انقلابیونی که خود را زیر نقاب اسلام پنهان کرده بودند و مسلح بودند، در سه راه مطهری و خیابان شهیدای خرم آباد، شروع به تیراندازی وائی کردند و سپس به دادن شعار «امروز هشدار، فردا کشتار» پرداختند.» (اعلامیه سازمان حزب توده ایران در خرم آباد - نامه مردم ۱۳ بهمن ۵۹)
این اخبار، که مثنی از خروار است، نشان می دهد که چماقداران در «پرده سوم» سناریوی تنظیم شده از جانب «سیا - ساواک»، حسابی «پرده» ها را دریده اند. آنها به همه کس و همه جا حمله میکنند. به اسم «اسلام» به نیروهای پیرو سوسیالیسم علمی حمله می کنند و به نام «کمونیست» به نیروهای اسلامی یورش میبرند. هر جا اختلاف هست، چماقداران بین دوجناح ظاهر می شوند، بهر دوسو حمله می کنند، تا با «منطق چماق» کارها را فیصله دهند. هر جا اختلافی نیست، باز هم «منطق چماق» بکار می افتد، تا اختلاف ایجاد کند. چماقداران، در «پرده سوم» سناریوی ضد انقلابی چماق داری هم، همان مقاصد دو پرده قبل را اجرا می کنند:

- ۱- ایجاد ناامنی و هرج و مرج
- ۲- از میان بردن امنیت،
- ۳- ایجاد تشنج و درگیری و نفاق میان

نیروهای مختلف اجتماعی،
۴- ترساندن مردم،
و آنوقت، وقتی که کم و بیش موفق به انجام این کارها شدند، از جو ایجاد شده استفاده می کنند و توسط ساواکی ها، لیبرالها، مانوئیستهای آمریکائی، بختیاری ها و ... به تبلیغ می پردازند که:

- ۱- دولت قادر به حفظ امنیت کشور نیست،
- ۲- مردم از انقلاب برگشته اند،
- ۳- امنیت نیست و چنان و مال همه در خطر است،

۴- آزادی نیست و ...
هدف نهائی از این تبلیغات، آماده کردن زمینه از طریق تضعیف رهبری انقلاب و دولت و جدا کردن مردم از آنها، برای زدن ضربه نهائی به جمهوری اسلامی ایران است. چپ باید کرد؟

این سناریوی همه جانبه، که یکی از حلقه های نقشه امپریالیسم آمریکاست، با شدت بی سابقه ای دنبال می شود. همه علاقمندان انقلاب شوکه مند ایران می پرسند: یا این وضع خطرناک چپ باید کرد؟

پاسخ ما، که بارها و بارها آن را تکرار کرده ایم، روشن است: اجرای قانون! به نظر ما

چپ باید هر چه زودتر با اجرای قانون، چماقداران را سرکوب و بخشی از توطئه جدید امپریالیسم آمریکا را خنثی کرد.

مقامات مسئول و ارگانهای انقلابی باید قانون اساسی را با قاطعیت تمام اجرا کنند. قانون باید ایجاد امنیت قضائی، زمینه فعالیت احزاب، سازمانها و گروههایی را که در چهارچوب جمهوری اسلامی ایران فعالیت می کنند، فراهم بیاورد.

بهمن ترتیب باید با چماقداران، در هر لباس که باشند، مقابله جدی شود. اکنون مدت باست که نیروهای انقلابی، از جمله حزب توده ایران، اسنادی درباره چماقداران، که آنها را ساواکی ها و مانوئیستها و گروه ناچیزی از افراد متعصب نا آگاه تشکیل میدهند، به مقامات مسئول تسلیم کرده اند.

بر اساس این اسناد و اطلاعاتی که مقامات مسئول دارند، باید بیدارنگ چماقداران تحت تعقیب قرار بگیرند. باید در چهارچوب قانون چماق کشان شناسائی و مجازات شوند. چماقداران و مراکز آنرا که از آنها هدایت و حمایت می شوند، باید به افکار عمومی معرفی گردند. باین ترتیب، یعنی

با اجرای قانون، بدون هیچگونه استثناء است که می توان توطئه چماق داری را - بعنوان بخشی از توطئه امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی - خنثی کرد.

گستاخی
توسط ارضی
امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بار دیگر در کشور ما بر خرمیراد سوار شود، زیرا منافع آنان با منافع امپریالیسم در تضاد نیست، اما با تصویب انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ما در تضاد عمیق است.
- لیبرالها که ترسو تر از آنند که آشکارا اعتراف کنند هوادار همکاری با امپریالیسم، و طرفدار برجایی نظام سرمایه داری هستند، درد واقعی خود را پنهان می کنند و نعل وارونه می زنند که گویا دلشان به خاطر «انقلاب و اسلام خون است» و چه ریاکار و عوام فریب و گستاخ اند که پای امام خمینی را هم به میان می کشند.
برای درهم شکستن انقلاب ضد - امپریالیستی و خلقی ما و حرکت آن در بستر سازش و تسلیم و همکاری با امپریالیسم، لیبرالها از تاکتیک مسخ انقلاب استفاده می کنند تا برسد آن زمانی که امپریالیسم قادر به سرکوب انقلاب ما شود و دولت «میانه رو» و «معتدل» باب طبع خود را، که جز لیبرالها نیستند، بر سر کار آورد. اما این تاکتیک لیبرالها، تا این مردم رزمنده بر صحنه اند، پیروزی نخواهد داشت.



بعد از شاه نوبت امریکاست!

مرگ بر شاه!

برتری روانی انقلاب را برضد انقلاب، تحکیم و تقویت کنیم!

بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیستی، ضدانقلاب داخلی، لیبرالها و مائوئیستهای آمریکایی بیسابقه ترین کارزار تبلیغاتی را علیه انقلاب برپا انداخته اند و با تمام قوا می کوشند تا با پختن شایعات و نشر اکاذیب، بویژه علیه رهبر انقلاب، مسلمانان انقلابی پیرو خط امام و نیز علی بنه دولت و مجلس شورای اسلامی، در میان طبقات جامعه، نسبت به انقلاب بدبینی و سرانجام خصومت بیافرینند، انقلاب را تضعیف کنند و زمینه را برای ساقط کردن جمهوری اسلامی ایران و یا مسخ و استحاله آن فراهم سازند.

ضدانقلاب به هرگونه دروغ رذیله های توسل میجوید، تا به اعتماد مردم نسبت به انقلاب، خدشه وارد سازد. لیبرالها و مائوئیستهای آمریکائی دشواری های جنگ تجاوزکارانه را، که مولود توطئه های امپریالیسم آمریکا و جنایات تجاوزگران صدامی است، ناشی از «بی تدبیری» مسلمانان انقلابی دانمود میسازند، حال آنکه نیروهای سازشکار خود در ایجاد عدم آمادگی نیروهای دفاعی، که از عوامل مهم تحریک صدام حسین به تجاوز بود، نقش درجه اول داشتند. آنها دشواریهای ملموسی را که در زندگی معیشتی مردم پدید آمده و ضدانقلاب و عوامل مورد حمایت لیبرالها و مائوئیستهای آمریکائی و محترمان و تجار بزرگ در آن نقش اصلی را دارند، بیای انقلابیون مسلمان پیرو خط امام می نویسند و از «بی کفایتی» دولت دم میزنند، حال آنکه مفسد اصلی، یعنی شیطان بزرگ و متحدان و وابستگان داخلی آنها از زیر ضربه خارج می سازند.

گذشته از این، ضدانقلاب و لیبرالها و مائوئیستهای آمریکائی با رخنه موثر در همه ارگانها، جهت گیری خلتی آنها را خدشه دار و منحرف میسازند، باعث اتخاذ تصمیماتی علیه منافع خلق و بسود مستکبران میگردند و آنگاه نعل را درون میزنند و این نارسائیهایی و کژیها را بیای جمهوری اسلامی ایران و رهبری انقلاب می نویسند، و همانگونه که امام خمینی نیز بدرستی تصریح کرده اند:

«تمام آشفتگی هایی که بدست ضدانقلابیون و منحرفین انجام می گیرد، به گردن جمهوری اسلامی میگذرانند.»

(از سخنرانی ۱۷ بهمن ۵۹) همچنین قشری گریها و انحصار طلبی های برخی از نیروهای صدید، ولی نا آگاه مسلمان، که اینجا و آنجا در ارگانها رسوخ دارند، بهانه دیگری هستند که به ضد انقلاب و لیبرالها و مائوئیستهای آمریکائی امکان میدهند تا چهره رهبری انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را دگرگونه جلوه دهند و مردم را علیه آنها تحریک کنند. این کج رویهای مسئولین قشری و انحصارطلب، از نکاتی است که جاسوسان آمریکائی بدانها اهمیت بسیار داده اند، زیرا به آنها در تحریک مردم و فریب آنها

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

ما با آمریکا پنجه در پنجه انداخته ایم و فرانسه، هم پیمان آمریکاست

★ رئیس مجلس: فرانسه پناه صدام ها، اویسی ها، ازهارای ها، بختیارها و فراریهای سابق است.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس، درباره ارسال اسلحه فرانسه به عراق گفت:

«ما با آمریکا باصراحت پنجه در پنجه انداخته ایم و با امپریالیسم به نبرد برخاسته ایم. یکی از عوامل تصمیم دولت فرانسه این است که نمی تواند بیند یک ملت کوچک ابرت و هیمنه پدربزرگ این آقایان را بشکند. دولت فرانسه احساس کرده در ایران دیگر جایی برای مطامع استعماری نیست.»

در ابتدای جلسه دیروز، نامه اعتراضیه عدای از نمایندگان در مورد تحویل میراژهای فرانسه به رژیم تجاوزکار صدام خطاب به پارلمان فرانسه خوانده شد. در این نامه، ضمن اشاره به سیاست امپریالیستی دولت فرانسه، گفته شده است:

«مردم ما از شما نمایندگان ملت فرانسه سوال میکنند: آیا تجربه الجزایر و سقوط سیاست امپریالیستی فرانسه کافی نبود که به دوتمدن شما پیاموزد، دوران زورگویی و سلطه طلبی به سر آمده است؟»

پس از خواندن نامه، محمد محمدی، نماینده گرگان، با اشاره به آن گفت:

«ما از دولت فرانسه غیر از ایمن انتظار نداشتیم. او هم پیمان آمریکاست. ما موضوع گیریهای دولت فرانسه را در ویتنام، کامبوج و الجزایر دیده ایم و امروز در چاد می بینیم.»

وی افزود: «آیسرو و حیثیت دولت فرانسه را این دولت در این مدت چند ده سال برده است.»

وی پیشنهاد کرد که نامه از طرف مجلس نباشد.

سپس حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس، ضمن تاکید بر اینکه این نامه تنها از سوی عدای از نمایندگان است، در این مورد خطاب به رئیس پارلمان فرانسه گفت:

«این اقدام دولت فرانسه به هیچ وجه برای

مردم آزاده دنیا قابل توجه نیست. فرانسه در همین موقعی که ناوچه های توپدار ما را، که مدت ها قبل پولش را گرفته، توقیف کرده، میراژها و بسیاری از امکانات جنگی دیگر را برای عراق فرستاده است. تحلیل مردم آزاده دنیا از این موضع فرانسه چه می تواند باشد؟ ما چه کردیم و عراق چه کرده که این موضع فرانسه را بتواند توجیه کند؟ ما یکی از کارهای اساسی مان این بوده که با آمریکا باصراحت پنجه در پنجه انداخته ایم و با امپریالیسم به نبرد برخاسته ایم. بی شک یکی از عوامل تصمیم فرانسه این است که نمی تواند بیند یک ملت کوچک، ابرت و هیمنه پدربزرگ این آقایان را بشکند. مطلب دیگر اینکه دولت فرانسه احساس کرده در ایران دیگر جایی برای مطامع استعماری نیست و آنها بحق فهمیده اند که دیگر ایران بساج به دولت هایی که قصد غارت اموال ملتی را دارند، نمی دهد، و ایران جای چنین غارتی نیست. از آن قراردادهای پرسود، از آن فروشهای ارزان نفت و از آن سفره رنگینی که رژیم پهلوی برای امثال دولت فرانسه باز کرده بود، دیگر پیش نمی آید.»

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی افزود:

«نقطه مقابل این که، باز عامل دیگری در تصمیم گیری فرانسه می تواند باشد، اینست که فرانسه در عراق طرق زیادی باز کرده برای استعمار مردم عراق. ما میدانیم چه قراردادهای ننگینی بین فرانسه و عراق برقرار شده، که آنها دولت فرانسه را به چه قیمت بلبلد و نفت را به چه قیمت بگیرد و قراردادهای باصطلاح عمرانی و خدماتی در آنجا وجود دارد. فرانسه به مردم عراق به چشم یک طعمه نگاه می کند که دیگر به ایران نمی تواند نگاه کند. ما امیدواریم که مردم عراق هم مثل مردم ایران چشم این طمعکاران را کور کنند و دست آنها را قطع کنند. اگر امروز صدام باج می دهد، فردا ملت عراق باج نخواهد داد. ما این را می دانیم. اگر

دولت فرانسه هیچگونه واقعا آزادیخواه است، مگر در عراق آزادی هست؟ مگر حزب بعث عراق رژیم قابل قبولی است؟ مگر معیارهای حکومت انسانی صد یکت در عراق وجود دارد؟

فرانسه، این اولین کارش نیست. اویسی، ازهارای، بختیار، اشرف پهلوی و همه فراریانی را که هزار بار باید به انتقام خون شهدای ما اعدام شوند، در زیر چتر حمایت فرانسه، در آنجا دارند جنایت می کنند و زندگی میکنند و ماتوقی نداریم. فقط به رئیس محترم مجلس شورای فرانسه این پیام را از تریبون مجلس ما می دهیم که به مردم فرانسه بگویند، مردم دنیا دیگر گول نمیخورند و این موضعی که شما گرفته اید، قابل توجیه نیست دیگر فرانسه بعنوان یک مرکز آزادی و آزادیخواهان در دنیا پذیرفته نمی شود. فرانسه پناه صدامها، اویسیها، ازهارایها و بختیارها و فراریهای سابق است.»

سخنان حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی با تکبیر و تایید یکپارچه نمایندگان مواجه شد.

آنگاه مجلس وارد دستور شد و گزارش کمیسیون امور اقتصادی و دارایی در مورد لایحه «وصول هزینه های حمل و نقل کالاهائی که به ترتیب ترانزیت اداری حمل می شود»، در شور دوم مورد بررسی و تصویب قرار گرفت.

پس از آن «لایحه راجع به اضافه شدن ۶ ماه به موعد تسلیم تراژنامه و حساب سود و زیان شرکتیهای تحت نظارت مستضعفان نیز در شور دوم بررسی و تصویب شد.

در پایان، آیت الله مهدوی کنی، وزیر کشور، به سوال یکی از نمایندگان درباره علت عدم انتخابات در اصفهان پاسخ گفت. وی خاطر نشان ساخت که قرار است در تمام مناطقی که شرایط جنگی وجود ندارد (از جمله در تهران و تبریز و اصفهان) انتخابات مجلس شورای اسلامی انجام گیرد. جلسه بعدی مجلس شورای اسلامی یکشنبه آینده تشکیل خواهد شد.

درباره گز آرشهای...

بقیه از صفحه ۱

«بی.بی.سی.» و بدنبال آنها برخی از دیگر رسانه های گروهی غرب مصرا نه این شایعه را پخش میکنند، که گویا عراق اسلحه ساخت شوروی از اروپای خاوری دریافت می دارد. در ضمن مرتب تکرار میشود، که گویا تجهیزات جنگی از راه عربستان سعودی حمل میگردد. یادآور میشویم که مبلغان امپریالیستی

اینکه پندک و ضد انقلاب را در عرصه جنگ روانی نیز شکست دهد و مضمحل سازد. انقلاب برای پیشروی خود به این پیروزی نیاز مبرم دارد.

اگر انقلاب، در همه عرصه ها و موارد، کارزار تبلیغاتی ضعیف انقلاب را عقیم گذارد و مشت آنها بکشاید، بی شک نیروهای مترزل و یا بی تفاوت راجلب خواهد کرد و یا بی طرف نگاه خواهد داشت و ضدانقلاب، لیبرالها و مائوئیستهای آمریکائی را متفرّد خواهد کرد.

این درست است که توده های میلیونی مردم در اکثریت عظیم خود پشتیبان وفادار خط امام خمینی هستند و خواهند بود. این درست است که تجارب دو سال گذشته آگاهی خلق را به میزان زیادی بالا برده و در تعمیق شناخت وی نسبت به دشمنان واقعیش بسیار موثر بوده است. اما نباید تصور کرد که کار پایان یافته است. باید در مقابل شبکه وسیع ضدانقلاب، نیروی انقلاب را سازمان داد و ترفند های ضدانقلاب را یک به یک برای توده های مردم افشا کرد و وی را رسوا ساخت. خلق تنها از این طریق، یعنی از طریق آگاهی

در نخستین روزهای درگیری میان ایران و عراق مدعی بودند که گویا جنگ افروهای شوروی از راه بندر عقبه اردن به عراق رسانده میشود. چندی نگذشت که بطالن این ادعای ناهنجار ثابت شد و مبلغان رسوا گردیدند. اگر اکنون بعضیها تلاش نمیکردند، از راه پخش یاوهای ناهنجار ضد شوروی به هدفهای کاملاً مشخص و مؤذانه دست یابند، اینبار هم زومی نداشت، به این اباطیل و ساخته های ذهنی تبلیغات امپریالیستی پرداخته.

تعداد زیادی...

۴- در اواخر درگیری روز گذشته پرسنل ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران با افراد مسلح غیرقانونی در منطقه سندج، سه نفر از دلوران ژاندارمری شهید و ۲ نفر مجروح شدند.

۵- نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران مواضع دشمن مزدور را در منطقه هرگنه زیر آتش توپخانه قرار دادند، که در نتیجه ۱۳ تن از مزدوران عراقی به هلاکت رسیدند و ۲۷ نفر نیز مجروح شدند.

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

باید شبکه تبلیغاتی ضدانقلاب را درهم کوبید. سکوت در قبال تبلیغات گسترده ضدانقلاب، پروردن خنجر در پهلوی انقلاب است.

و مهمتر از همه آنکه، باید در چارچوب امکانات، کپیو ده و نارسائیه را برطرف کرد؛ باید از ندانم کاریها، انحصارطلبیها و برخورد های قشری جلوگیری کرد؛ باید اشتباهات را تصحیح کرد؛ باید ارگانها را از وجود فسادپرانگیز ضدانقلاب و لیبرالها و مائوئیستهای آمریکائی، که خرابکاری می کنند و آنها را «به گردن جمهوری اسلامی می گذارند»، پاک کرد.

باید، همانگونه که امام خمینی نیز گفته اند، به مردم امید داد و برتری روانی انقلاب را برجسته ضدانقلاب تأمین و حفظ کرد. باید مردم را بیدار کرد.

به یک حیل دشمن مکار، ماهیت وی را خواهد شناخت و با نیرو و توان بیشتری به حمایت از انقلاب روی خواهد آورد، باید به مردم ماهیت لیبرالهایی را که امروز از سازش دولت دم می زنند، نشان داد و نقش سازشکارانه آنها را، که با دستبازی شیطان بزرگ، گرفتاریهای بزرگی برای مردم ما و انقلاب ما فراهم آوردند و اکنون نیز خرابکاری می کنند، افشا کرد. باید نقش مخرب گروهکهای مائوئیستی-آمریکائی را، که ستون پنجم دشمن هستند، افشا کرد. باید به مردم عامل اصلی دشواریهای زندگی را، که ضدانقلاب و مائوئیستهای آمریکائی و لیبرالها بر گردن رهبری انقلاب و مسلمانان انقلابی و بیروخط امام می گذارند، نشان داد و مشت سالوس و ریای آنها را در پیشگاه خلق گشود.

ضمیمه نامه مردم برای جوانان توده شماره ۵ بهمن ۱۳۵۹ منتشر شد

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

- چشمید از تویسرکان ۱۲۵۰ ریال
- مجید از تویسرکان ۱۲۵۰ ریال
- سازمان حزب در شهر کرد ۱۴۰۰۰ ریال
- سازمان حزب در شیراز ۱۰۰۰۰۰ ریال
- مرشده از پندر انزلی ۵۰۰۰ ریال
- رفیعی از شهرری یک نیم سکه طلا
- جمع آوری شده در عروسی گیتی ۱۷۰۰۰ ریال
- کاظم ر ۱۰۰۰ ریال
- بابک از شهرری ۵۰۰ ریال
- هلن ۲۰۰۰۰ ریال
- ح. ش کارگر بازار ۲۰۰۰ ریال
- خانم آ. م ۲۰۰۰ ریال
- خانم ز ۶۰۰ ریال

علاقه‌مندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کی‌منش وبه شماره ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین قاضی بیردازند.

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM	
No. 440	
9 February 1981	
Price:	
West-Germany	0.80 DM
France	2 Fr.
Austria	8 Sch.
England	20 P.
Belgium	10 Fr.
Italy	350 L.
U.S.A.	40 Cts
Sweden	1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی می‌توانند به آدرسی زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱ منطقه ۱۴ پستی تهران

پدربال اوامر امام خمینی مبنی بر رسیدگی به وضع بازماندگان معدومین کودتای نافرجام ۱۸ تیر، وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران سرهنگ فکورگی پیشنهادی درباره تأمین زندگی این خانواده‌ها خدمت امام خمینی تقدیم نموده، که امام خمینی با آن موافقت کرده‌اند.

بنا بر این پیشنهادها، قرار است به هر خانواده با یک فرزند، ماهانه ۳۰ هزار ریال، و برای هر فرزند اضافی ماهانه ۵ هزار ریال از طرف وزارت دفاع پرداخت شود. علاوه بر این، چون این خانواده‌ها قبلاً در خانه‌های سازمانی سکونت داشته‌اند و اکنون ادامه این وضع مغایر با اصول امنیتی است، وامی جهت خرید خانه به خانواده‌ها پرداخت و برای بازپرداخت وام، ماهانه مبلغ کمی از مستمری آنان کسر گردد.

این تصمیم درست، که از روح پر کرامت و سنجیده مردم‌دوستی امام خمینی ناشی است، مورد تأیید و تحسین همگان است، زیرا هر چند سرپرست این خانواده‌ها توطئه‌گر، خائن به میهن، خائن به نظام جمهوری اسلامی ایران و دستیار و همکار امپریالیسم جهانیست، اما بزرگوار بود که ولی همسران و کودکان آنان، در این ماجرای تلخ و در مسیر حرکت آنان به سوی خیانت، گناهی نداشته‌اند. حق اینست که جمهوری اسلامی ایران رفاه آنان را فراهم سازد و با تعهد به سرپرستی آنان، مانع از آن شود که زنان در راه شوهران، و فرزندان در راه پدران گام بگذارند.

این تصمیم منطقی و بیجا درباره خانواده‌های معدومین کودتاجی، خود بخود اجرای دیگری را در خاطرها زنده میکند: سال ۱۳۳۳، در آستانه عقد قرارداد خائنه با کسرسیوم، بدستور شاه ملعون و زیر نظر تیموریختار معدوم و حسین آزموده فراری، نزدیک به ۵۰۰ افسر و درجه‌دار، به «گناه» عضویت در حزب توده ایران بازداشت شدند و بدست امجدی، زیبایی، سیاحتگر، زمانی، مولوی و شکنجه‌گران ددمنش دیگری از این قبیل، زیر شکنجه‌های وحشیانه قرار گرفتند. اینان گل‌های سرسبد ارتش ایران بودند:

میهن‌دوست، مردم‌دوست، رزمنده، برخوردار از سواد و معلومات، بهره‌مند از سرشتی پاک و دارای شهامت اخلاقی بودند. آنها با استقرار نظم‌ناهنشاهی در ارتش و اطاعت کورکورانه از فرماندهان مخالف بودند و نفوذ امپریالیست را در ایران و سلطه مستشاران و جاسوسان امریکائی را بر ارتش نمی‌خواستند. آنان برای ایرانی مستقل، آزاد و آباد مبارزه میکردند. این گروه از افسران و درجه‌داران، به تناسب، سالهایی از زندگی خود را وقف مبارزه به خاطر این اهداف میهنی و انسانی کرده بودند و در محیط کار و زندگی خود، به پاکی، شهامت، بی‌کاری، جوی، عدالت‌خواهی و وطن‌دوستی اشتها داشتند.

بازداشت و محاکمه و تیرباران این فرزندان راستین خلق، خواست امپریالیسم امریکایی بود، تا اولاً در مردم ایجاد رعب و وحشت کند و راه را برای نفوذ مجدد خود و متحدانش در کشور ما بگشاید؛ و ثانیاً

ارتش ایران را، که می‌بایست زیر نظر مستشاران جاسوس امریکا، به ابزار سرکوب خلق و جنبش‌های مترقی منطبق بدل شود، از وجود این افسران میهن‌دوست و ضدامپریالیست تهی سازد.

امپریالیسم امریکا، به کمک مزدور دست‌نشانده خود محمدرضا، در این توطئه توفیق یافت: ۳۲ نفر از افسران توده‌ای تیرباران و بقیه به حبس‌های طولانی محکوم شدند، که شش تن از برترین، زنده‌ترین و مقاوم‌ترین آنان، ۲۵ سال تمام را در زندانهای شاه ملعون گذراندند و فقط در جریان انقلاب، بدست خلق رزمنده، آزادی خود را بازیافتند.

وزارت دفاع شاهنشاهی به‌هریک از همسران این افسران، تا زمانی که ازدواج مجدد نکرده‌اند، مبلغ ناچیز ۲۰۰ تومان و برای هر فرزند مبلغ ۵۰ تومان می‌پرداخت،

این تبعیض برای چیست؟

که این مبلغ تنها در آخرین سال حکومت طاغوت، با توجه به نرخ گرانی و تورم بیست و چند ساله، به ۱۵۰۰ تومان افزایش یافته بود.

در دوران پس از پیروزی انقلاب، امید آن بود که از جانب مسئولین جمهوری اسلامی ایران، مبارزات ارزنده این افسران مورد تقدیر قرار گیرد، از آنان جبران خسارت مادی و معنوی شود و از خانواده‌های افسران شهید استمالت بعمل آید و به وضع مادی آنان رسیدگی شود، که با کمال تأسف چنین نشده.

نه تنها سوابق خدمت و مبارزه این افسران میهن‌دوست و شریف مورد توجه قرار نگرفت، بلکه با خانواده‌های افسران شهید از سوی برخی مقامات مسئول چنان رفتار شد که بیچاره در شان جمهوری اسلامی ایران نیست. تاکنون دویز به قطع حقوق ۱۵۰۰ تومانی این خانواده‌ها اقدام شده، و ماهها به‌بهانه‌های مختلف، آنان را از دریافت این مبلغ ناچیز محروم کرده‌اند. در قبال درخواست کتبی این خانواده‌ها مبنی بر رسیدگی به سوابق خدمت افسران میهن‌دوست و مبارز و برقراری مستمری بازنشستگی درباره آنان، با آنکه نخست وعده‌هایی داده شد، ولی در جریان امر، این روند متوقف ماند و به این عنوان که به «توده‌ای» ها مقرر

بازنشستگی تعلق نخواهد گرفت، پرونده‌های تشکیل شده روی میزهای مقامات وزارت دفاع خاک میخورد و بدتر از همه آنکه، در مراجعه این خانواده‌ها به مراجع گوناگون، گاه چنان رفتار خشونت‌آمیزی با زنان و فرزندان افسران شهید میشود، که دهان از تأسف و حیرت بازماند.

مراجع مسئول در وزارت دفاع چا دارد از امام خمینی رهبر انقلاب و بنیادگذار جمهوری اسلامی ایران بیاموزند که حتی در مورد خانواده‌های افسران خائن و کودتاجی چنان رفت و عطفی از خود نشان میدهند؛ از امام خمینی بیاموزند که حتی درباره سربازان و افسران مهاجم عراقی، که اکنون بعنوان اسیر در کشور ما بسر می‌برند، فرمان رفتار انسانی و تأمین رفاه آنانرا میدهند. وقتی جمهوری اسلامی ایران با خائنان و مهاجمان چنان رفتار بشردوستانه‌ای دارد و گفتار خود را با رفتار خویش هماهنگ میسازد، جای تأسف و شکفتی نیست که با خانواده‌هایی که سرپرست‌های خود را به گناه مبارزه با امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا و نظام سلطنتی خائن پهلوی از دست دادند، چنین رفتار شود، سوابق خدمت و مبارزه آنان بحساب نیاید، حقوق ناچیز خانواده‌های آنان قطع و از برقراری مستمری بازنشستگی درباره آنان امتناع شود؟

ممکن است این یا آن مرجع مسئول در وزارت دفاع با «توده‌ای» ها مخالف باشد و از آنها خوشش نیاید. اما آیا «توده‌ای» ها، که مناصب عالی‌مقام و درجه و حتی زندگی خود را بخاطر اهداف میهن‌دوستانه و آزادی‌طلبانه از کف داده‌اند، حتی بدتر از کودتاجی‌ها و اسرای جنگی هم هستند؟ آیا میتوان در حالی که پس از پیروزی انقلاب، از افراد غیر «توده‌ای» جبران خسارت شده و سوابق خدمت آنها احیا گردیده، «توده‌ای» ها را از شمول این تصمیمات بجا، مستثنی کرد و حتی پرداخت حقوق ناچیز خانواده افسران شهید را هم، به‌بهانه‌های گوناگون، قطع نمود؟ آیا مجاز است در شرایطی که وام خرید خانه به خانواده‌های افسران کودتاجی پرداخت میشود، همسر و فرزندان افسران شهید توده‌ای، در خانه اقوام و بستگان خود و یا در یک یا دو اتاق اجاره‌ای بسر ببرند؟ افسران کودتاجی خیانت کرده‌اند و خانواده‌هاشان چنین مورد استمالت قرار میگیرند - که درست است، و افسران توده‌ای از نخستین پیشاهنگان مبارزات ضدامپریالیستی و خلقی مردم میهن ما بوده‌اند و خانواده‌هاشان چنین تحت فشارند، که درست نیست و غیرعادلانه است.

ما از وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران و سایر مسئولین وزارت دفاع میخواهیم که با الهام از فرمان عطف‌آمیز امام خمینی برای تأمین رفاه خانواده‌های افسران معدوم کودتاجی، تبعیض نسبت به خانواده‌های افسران شهید توده‌ای را از بین ببرند و در برقراری مستمری بازنشستگی برای این خانواده‌ها و تأمین رفاه آنان، اقدامات لازم را بعمل آورند.

کشایش کنفرانس جنبش کشورهای غیرمتعهد در دهلی پایتخت هند

کنفرانس جنبش غیرمتعهدها امروز در دهلی نو، پایتخت هند، آغاز بکار میکند. جمهوری اسلامی ایران، که سال گذشته به عضویت این جنبش درآمد، در این کنفرانس بعنوان عضو کامل جنبش غیرمتعهدها شرکت دارد. اکنون اکثریت کشورهای آسیا و آفریقا و بخش بزرگی از کشورهای امریکای لاتین عضو این جنبش‌اند. جنبش غیرمتعهدها در مبارزه بسخاطر استقلال ملی، پیشرفت اجتماعی، صلح و امنیت خلقها و مبارزه علیه امپریالیسم به عامل مهمی در عرصه سیاست جهانی تبدیل شده است.

کنفرانس جنبش غیرمتعهدها در شرایطی تشکیل میشود که در نتیجه تدارکات جنگی و گسترش حضور نظامی امریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند، اوضاع این منطقه به وخامت گرائیده و سیاست تجاوزی و توطئه‌های امپریالیسم امریکا، استقلال ملی کشورهای این منطقه را تهدید میکند. جنگ تحمیلی دارودسته خائن صدام علیه جمهوری اسلامی ایران، که با تحریک امپریالیسم امریکا انجام گرفته، بر پیچیدگی و بفرنجی این وضع افزوده است. این اقدامات تجاوزکارانه و دیگر کوششهای دولت امریکا برای تشدید مسابقه تسلیحاتی، از آنجمله سلاح هسته‌ای، و بازگرداندن اوضاع بین‌المللی به دوران جنگ سرد، صلح و امنیت همه‌خلقبای جهان را تهدید میکند. در چنین شرایطی کنفرانس کشورهای غیرمتعهد مؤلف است که با روشی واقع‌بینانه توجه اصلی خود را به حل این مسائل معطوف سازد، که در عین حال موجب استحکام وحدت و یکپارچگی بیشتر جنبش غیرمتعهدها در مبارزه علیه امپریالیسم و بخاطر حفظ و تحکیم استقلال ملی آنان خواهد شد.

نمایندگه شوروی سیاست توسعه‌طلبانه و عملیات تروریستی اسرائیل را محکوم میکند

والرین ژورین، نماینده اتحاد شوروی، در اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، که در ژنو جریان دارد، سیاست توسعه‌طلبی اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی را محکوم کرد و آنرا ناقض صریح حقوق بشر ارزیابی نمود. نماینده شوروی خاطر نشان ساخت که از سال ۱۹۶۷ تاکنون، در حدود ۲۰۰ هزار نفر از ساکنان سرزمینهای عربی اشغال‌شده از این سرزمینها بزرگ اخراج شده‌اند.

دولت صهیونیستی اسرائیل تلاش دارد که ترکیب جمعیت این سرزمینها را بطور اجباری و از طریق احداث اردوگاههای مهاجرنشین تغییر دهد. دولت اسرائیل ضمن نقض خشن قطعنامه‌های سازمان ملل متحد، بیت المقدس را پایتخت اسرائیل اعلام کرده است.

رویدادهای جهان

برنامه مانورهای نظامی آمریکا در عمان

سخنکاری پنتاگون (وزارت دفاع امریکا) اعلام کرد که امریکا در پایان ماه جاری در خاک عمان مانورهای نظامی انجام خواهد داد. خبرگزاری یونایتد پرس در این باره گزارش داد که ۲۰۰ هزار نفر از سپاهیان «نیروهای واکنش سریع» در این مانورها شرکت خواهند کرد. بقیه ناظران سیاسی، هدف از اجرای این مانورها، قدرت‌نمایی نظامی امریکا و تهدید کشورهای مستقل ملی این منطقه است.

تشدید اقدامات تروریستی علیه سیاه‌پوستان
ژوزف لوری، رئیس سازمان سیاه‌پوستان امریکائی بنام «کنفرانس رهبری مسیحی جنوب»، طی تکرار اعتراض آمیزی بعنوان جورج بوش معاون رئیس‌جمهور امریکا، درخواست کرد که شهر آتلانتا بعنوان «منطقه مصیبت‌زده» اعلام شود. در این تکرار آمده است:

«به عملیات تروریستی نژادپرستان سفیدپوست علیه سیاه‌پوستان باید پایان داده شود.»

طی چند روز اخیر، جسد پانزده جوان سیاه‌پوست، که قربانی عملیات تروریستی نژادپرستان شده‌اند در اطراف شهر آتلانتا پیدا شده است. طی یکسال اخیر، هفده تن کودک و جوان سیاه‌پوست، از سن ۷ تا ۱۵ سالگی، مفقود و یا بدست نژادپرستان این شهر به قتل رسیده‌اند.